

حقیقت

نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت • شماره ششم • جمعه ۱۹ آذر ماه ۱۳۹۵

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL.No.6.FRI,9thDEC.2016



روز باشکوه جشنواره

استقبال از فیلم‌ها و برنامه‌های جشنواره به اوج خود رسید

زیباترین صیافت جشنواره

- گزارشی از مهمانی بزرگ سینما حقیقت با حضور مهمانان خارجی، داوران و اعضای هیات انتخاب
- تجلیل ویژه از مستندسازان کرمانی



عکس: مریم سعید پور



نگاه ژرف و خلاق سینمای مستند

8

گفت و گویی ویژه با هوشنگ مرادی کرمانی درباره سینما حقیقت

دو کار گاه ویژه در یک روز

5

گزارشی از کارگاه چگونگی شرکت در جشنواره‌های خارجی و جذب سرمایه برای فیلمسازی

6 CUT گاه +

تجربه‌های دلنشین

بررسی پروژه کارستان در گفت و گویا مجتبی میر طهماسب، مهناز افضلی و محسن عبدالوهاب

استقبال صبحگاهی

حال و هوای پردیس چارسو در پنجمین روز دهمین جشنواره «سینما حقیقت»



حالا و با عبور از نیمه راه، صحبت از سیر صعودی استقبال از جشنواره، دیگر چندان تازگی ندارد؛ مونتور جشنواره دهم حساسی گرم شده و اگر آن اکثر فیلم‌های مستند، با سالن‌های پر در حال برگزاری است. با این همه، روز پنجم جشنواره با یک اتفاق آغاز شد. استقبال صبحگاهی از مستند اسکاری حاضر در جشنواره فراتر از انتظار بود و فیلم «آتش زیر آب» ساخته مستندساز ایتالیایی جیان فرانکو رزی در حالی در سانس ساعت ۱۰ صبح سالن شماره سه به نمایش در آمد که در پایان فیلم، علاوه بر صندلی‌ها ظرفیت روی زمین هم تقریباً تکمیل شده و عده‌ای هم ایستاده در انتهای سالن فیلم را تماشا می‌کردند. این میزان از استقبال آن هم در نخستین سانس روز پنج‌شنبه برای یک مستند خارجی تجربه‌ای متفاوت بود.

شده بود، باعث کیفی تر شدن ترکیب حاضران در این کارگاه‌ها شده است.

مهمانان خاص

تلاش مستندسازان برای دعوت از چهره‌های ویژه در روز پنجم جشنواره همچنان ادامه داشت و در این روز هم شاهد حضور ویژه برخی چهره‌های سینمایی و غیر سینمایی بودیم، از محمود دولت‌آبادی نویسنده با سابقه تا فاطمه معتمدآریا بازیگر نام‌آشنا که اولی برای رونمایی از مستند «سفر سهراب» به پردیس آمده بود و دومی به دعوت مهتاب کرامتی برای تماشای «صفر تا سکو» به جشنواره آمده بود. حمیدرضا صدر هم از دیگر چهره‌هایی بود که به دعوت مستندسازان در روز پنجم مهمان جشنواره شد.

نگاه اول

فضای پاک مستند

یادتان باشد بستری که شما مستندسازان در آن کار می‌کنید، باید پاک و تمیز باشد تا بتوانید محصول قابل توجه و درست و سالمی آرایه کنید. زمانی که ایرادها و موانع ساخت یک اثر درست برطرف نشود، شما هر چقدر هم کارگردان خوبی باشید، این ضعف‌ها و ایرادها اثر خودش را در فیلم خواهد گذاشت. به همین دلیل من به شوخی به همه می‌گویم که مستندسازها باید شبیه طاهر ذوالیمین باشند؛ با یک دستشان تولید فیلم، مطالعات زیبایی‌شناختی و ارتقای سواد خودشان را انجام دهند و با دستی دیگر به کارهای صنفی رشته خود اهمیت دهند، چرا که در زمینه حقوق صنفی کشور ما بسیار عقب‌افتاده است و نمی‌توانیم تصور کنیم که در این عقب‌افتادگی، مشخص نبودن حقوق و امنیت مستندساز، مدام آثار شاهکار و قابل توجهی خلق شود. حداقل ما که نتوانستیم این کار را انجام دهیم، انگیزه من از تمام این کارها، چه در فیلمسازی و چه در انجام کارهای صنفی برای مستندسازان این بوده است که بتوانم تصویری واقعی، خلاقانه و البته جذاب از واقعیت خودمان را به مخاطبان نشان بدهم.



ابراهیم مختاری مستندساز

مساله ساختار و آن چیزی که قرار است در نهایت در ساخت اثر به آن برسیم، همیشه در پس ذهن من وجود داشت، حتی الان که با دوربین دیجیتال کار می‌کنم. من متقدم همیشه مواد وجود دارد، اما این که قرار است با این مواد چه کار کنم، نکته و مساله بسیار مهم‌تری است. وقتی شما تسلیم دست‌و‌پاگیری مادی که در اختیار دارید، بشوید، در نهایت به یک سلسله بی‌نظمی می‌رسید که تا پایان کار با شما خواهد بود و رفع نمی‌شود. به همین دلیل این که اول در ذهن‌تان ساختار کاری که می‌خواهید انجام دهید را مشخص کنید، بسیار مهم است.

به نظرم در سینمای مستند اجتماعی دو مشکل عمده وجود دارد؛ یکی مساله پخش فیلم‌ها و دوم بخش سانسور و نظارت‌های سنگین است که باعث می‌شود مستندسازها کمتر حاضر شوند به سمت موضوعات تب‌وتاب‌دار و مهم اجتماعی بروند. قطع به یقین بدانید که اگر این دو مشکل حل شود، در هر زمانی شما شاهد ساخت مستندهای اجتماعی بسیار قوی خواهید بود. در مورد سرمایه‌گذاری هم تا زمانی که بازار مطمئن و امن نباشد، سرمایه‌گذاری به معنای صنعتی‌اش به وجود نمی‌آید و اغلب افراد با سرمایه‌های خرد خودشان به دنبال ساخت مستند می‌روند و قاعدتاً هر چه سرمایه‌های ساخت کار خردتر باشد، شفافیت‌های خردتری می‌بینید.

کارگاه‌های پر مخاطب

اگر مشتری ثابت نشریه روزانه هستید، در جریان برگزاری روزانه کارگاه‌های تخصصی در جشنواره سینماحقیقت خواهید بود. کارگاه‌هایی که بی‌شک نقشی مهم در افزایش بار محتوایی این رویداد به خصوص برای مستندسازان جوان تر دارند. اما نکته مهم درباره این کارگاه‌ها به ظاهر خشک و تخصصی استقبال از آن‌هاست، به گونه‌ای که هم‌تراز با نشست‌های نقد و بررسی یا حتی اگر آن‌ها برخی فیلم‌های جشنواره می‌توانید شاهد پر شدن صندلی‌های سالن شماره دو به عنوان محل اصلی برگزاری کارگاه‌های تخصصی باشید. مهم‌تر از استقبال، حضور پر انرژی حاضران تا پایان برگزاری کارگاه‌هاست و این نشان می‌دهد فرآیند ثبت تقاضا برای حضور در این کارگاه‌ها که پیش از آغاز جشنواره انجام



جهانی شدن حرفه‌ای

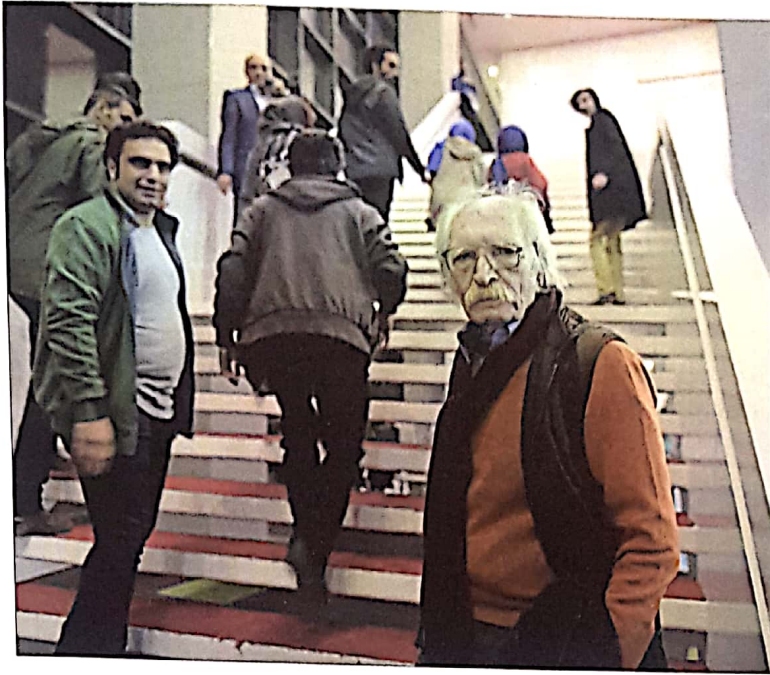
بازار فیلم مستند در حاشیه جشنواره سینما حقیقت در روز دوم هم با استقبال مستندسازان همراه شد

یدالله داج از اعضای هیات داوران جشنواره فیلم‌های ایرانی زوریخ، نگین فاضلی نماینده شب‌های فیلم مستند، اتین خواهد بود.

دوریکارد تهیه‌کننده فرانسوی، یانا ساری مدیر بازار مستند جشنواره تسالونیک یونان، استفانو تیلدی تهیه‌کننده و مدرس از ایتالیا و نمایندگان شبکه «سی سی تیوی چین» کارشناسانی بودند که در دومین روز برگزاری بازار مستند در جشنواره سینماحقیقت پاسخگوی سوالات مستندسازان درباره شرایط حضور در رویدادها و بازارهای جهانی بودند. در قالب این نشست‌ها که روز گذشته در غرفه بازار جشنواره برگزار شد، نکات کلیدی برای حضور در این رویدادهای بین‌المللی از سوی کارشناسان مدعو مطرح شد. نمایندگان جشنواره‌ها بیشتر حول محور شرایط پذیرش فیلم و سرفصل‌های موضوعی رویداد متبوع خود نکاتی را مطرح کردند و از سوی تهیه‌کنندگان هم نکاتی را درباره جذب سرمایه و مستندسازی مشارکتی با مستندسازان در میان گذاشتند. حاضران در این نشست‌ها هم مستندسازان جوانی بودند که غالباً نسخه‌ای از آثار خود را برای آرایه به این نمایندگان و کارشناسان جهانی به همراه داشتند و به صورت مصدافی سئوالاتی را درباره آثار خود می‌پرسیدند. بازار فیلم جشنواره سینماحقیقت تا عصر امروز برقرار خواهد بود.

ادبیات در قاب حقیقت

مستندهای پرتره معمولاً جذابیت ویژه‌ای برای بسی گیران سینمای مستند دارد. به خصوص اگر پای چهره‌ای خاص و در عین حال با نام پرسمامد از منظر تحلیل‌ها و برداشت‌های تاریخی در میان باشد. سهراب شهید ثالث حتماً یکی از این چهره‌ها در تاریخ سینمای ایران است. «سفر سهراب» مستند پرتره‌ای درباره این کارگردان کم‌کار اما تأثیرگذار در سینمای ایران است که حالا و در آئین رونمایی‌اش یکی از پیشکسوتان ادبیات مهمان کاخ جشنواره شده است. محمود دولت‌آبادی چهره شناخته شده ادبیات معاصر مهمان ویژه اکران مستند «سفر سهراب» در روز پنجم جشنواره بود که بسیار مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت و در عین حال بهانه‌ای شد برای برگزاری اولین مراسم معرفی فیلم پیش از اکران در جشنواره دهم.



حمایت ایسا از حقیقت



دبیرکل اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی (ISSA) پرداختن به موضوع بازنشستگان در جشنواره سینما حقیقت را ستود. هانس هورست کتکولوسی در این باره تأکید کرد: طرح موضوع بازنشستگی در دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، یک ابتکار قابل توجه از سوی صندوق بازنشستگی کشور ایران است که اینجانب به نوبه خود به صندوق بازنشستگی برای انجام این اقدام شایسته، تبریک عرض می‌کنم. کتکولوسی، در پیامی که ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ میلادی منتشر شد، ضمن تقدیر و حمایت از اقدامات تاورانه صندوق بازنشستگی کشور، تأکید کرد: فیلم‌های مستند با داشتن جنبه‌های مختلف از جمله حوزه بازنشستگی، برای به نمایش گذاشتن مشارکت‌های بازنشستگان از طریق فعالیت‌های داوطلبانه یا کارآفرینی آنان از ظرفیت بالقوه‌ای برخوردار است. اینجانب اطمینان دارم که این ابتکار عمل صندوق بازنشستگی-کشوری جمهوری اسلامی ایران، برای سایر سازمان‌های عضو اتحادیه الهام بخش خواهد بود.

روایت شرم و اندوه

یکی از مستندهای ویژه حاضر در جشنواره امسال مستند «آن دو» است. مستندی که به دلیل سفر خارجی کارگردانش، روز گذشته فرصت برگزاری مبسوط نشست نقد و بررسی آن از دست رفت اما با این حال سعید قطبی‌زاده منتقد روز پنجم «شب‌های نقد» نتوانست از آن چشم‌پوشی کند و ترجیح داد در غیاب کارگردان مخاطبان حاضر در این برنامه را به تماشای این مستند دعوت کند. این منتقد سینمایی با اشاره به داستان تکان‌دهنده این مستند درباره ملاقات یک عکاس عراقی و یک فیلمبردار ایرانی که سال‌ها بعد از جنگ تحمیلی حالا در سفری به خرمشهر می‌خواهند مشاهدات خود را مرور کنند، این روایت را به نوعی مواجعه «شرم و اندوه» توصیف کرد. سعید قطبی‌زاده معتقد است که در این مستند شاهد احساس شرم عکاس عراقی و اندوه ابدی محسن عکاس ایرانی هستیم؛ اندوهی حرفه‌ای و اندوهی انسانی، اولی برای اینکه چیزی از آن دوران برایش به جا نمانده و اندوه انسانی از دیدن کسی که سال‌های قبل انگیزه بسیار بزرگی برای کشتنش داشته و امروز به عنوان یک دوست با او همسفر است.

انسان پژوهی بادوربین



کتاب «قوم‌نگاری تصویری» در پنجمین روز جشنواره دهم سینماحقیقت رونمایی شد و از آنجا که فتح محمدی مترجم این کتاب به دلیل کسالت امکان حضور در این مراسم را پیدا نکرده بود، شهاب‌الدین عادل استاد دانشگاه در مقام کارشناس به بررسی این اثر پرداخت و در تمجید آن گفت: «تبریک می‌گویم به مرکز گسترش و بخش پژوهش این مرکز که برای نخستین بار کتابی با رویکردی کاملاً علمی و آکادمیک در حوزه پژوهش‌های انسان‌شناسی با این حجم ترجمه و منتشر می‌شود. علت دعوت از من دو دلیل بوده است. اول انتشار کتاب سیمای قوم پژوهی در سال ۷۲ بود که رویکردی خاص به انسان‌شناسی تصویری در آن مطرح شده بود. آن کتاب را از زبان انگلیسی برای مطالعات سینمایی ترجمه کردیم. اما این اولین بار است که کتابی با این حجم و محتوا با اتکا بر نظر این تعداد از کارشناسان خبره و شناخته شده منتشر می‌شود. کتابی که فتح محمدی زحمت ترجمه آن را کشیده‌اند به تعبیری به استفاده از دوربین در تحقیق انسان‌شناسانه پرداخته که مرجع ارزشمندی برای مستندسازان ما است.»

اتفاق روز

خبر روز

چهره‌ها



■ محسن استادعلی
نوبت زنان

مستند «جایی برای زندگی» روایت محسن استادعلی از زندگی مردانه بود و حالا با «زنانگی» سراغ زندگی زنان رفته است. امروز ساعت ۱۹:۱۵ تماشای آن را در سالن ۱ از دست ندهید



■ بهروز روی
آقای صدا

«روزگار بهروز» به کارگردانی ابوفضل توکلی از مستندهای پرتره جشنواره امسال است که امروز می‌توانید در ستانس ۱۹:۴۵ سالن ۳ تماشای آن بشینید.



■ فرشاد افشین پور
روایت سنجاب‌ها

از محدود فیلم‌های مرتبط با حیات وحش ایران در جشنواره امسال «میراث طوی سنجاب‌ها» به کارگردانی فرشاد افشین پور است که می‌توانید امروز ساعت ۲۰:۴۵ به تماشای آن بنشینید.

Dual Life A Documentarist

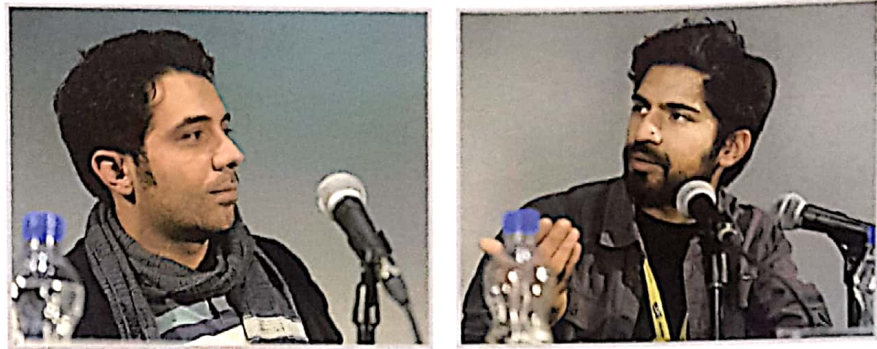
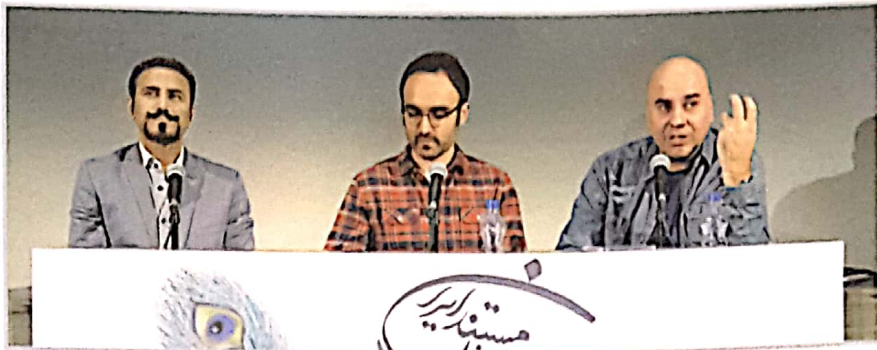
On the 5th Day of the Festival, Three Films Were Reviewed in "Criticism Nights" (Q&A Sessions) The first film was "Away From Home" which was about a family relationship in India directed by Nitesh Anjan. The film critic of this session was Saeed Ghotbizadeh and Bahman Nourayi was the translator. = "This is my first film and in fact, I count it as a personal project. The film is about a 5-year-old man who decides to return his hometown after many years of immigration and starts a new life. He is my father actually, so because of this reason I know it a personal life. Before I made the film there was a gap between us which was filled after that in order to we had many conversations when I was making the film.

مجری کارشناس شب پنجم:

محمد رضا مقدسیان

منتقد شب دوم: سعید قطبی زاده

مترجم: بهمن نورایی



زندگی دوگانه مستندساز

در پنجمین روز جشنواره، سه فیلم در «شب‌های نقد» بررسی شد

دور از خانه

موضوع فیلم: روایت یک رابطه خانوادگی در هند
کارگردان: نیش آنجان

آنجان:

این نخستین فیلم من است و در واقع آن را یک پروژه شخصی می‌دانم. فیلم درباره مرد ۵۰ ساله‌ای است که تصمیم می‌گیرد بعد از سال‌ها مهاجرت به وطن خود برگردد و زندگی تازه‌ای را از سر بگیرد. این آدم پدر من است و به همین دلیل آن را یک فیلم شخصی می‌دانم. شناخت مجددی که در این فرآیند از هم پیدا کردیم و گفت‌وگوهایی که بین ما شکل گرفت، باعث شد شکافی که میان ما بود، پر شود.

این نخستین بار بود که دوربین در دست می‌گرفته، پیش از آن ۶ سال تلاش کردم زمانی درباره اجساد خود بنویسم که از هند به دانمارک مهاجرت کرده بودند. پدرم مشکلات متعددی در زندگی داشت و هیچ‌گاه نتوانست دانمارک را خانه امنی برای خود در نظر بگیرد. به این مشکلات واقف بودم، اما هیچ‌گاه تصمیم نداشتنم این فضا را فیلم کنم، ولی روزی برادرم تصمیم گرفت درباره خانواده بیشتر بداند و از آن جا بود که من هم دغدغه ساخت این فیلم را پیدا کردم احساس کردم این سوژه‌ای است که می‌تواند برای من هم الهام بخش باشد و من را با تصویر تازه‌ای از هویت و گذشته خانوادگی‌ام مواجه کند.

در موضع کارگردان خیلی سخت بود بخواهم از نقش پسر در برابر پدرم خارج شوم. در نهایت نمی‌شود این دوروال را از هم جدا کرد، اما من مجبور بودم این کار را انجام دهم. زمانی که ضبط تمام می‌شد، سراغ دوستانم می‌رفتم تا با آن‌ها در ددل کنم. مدام از همکارانم در فیلم می‌خواستم اگر جایی لوزیدم به من یادآوری کنند که کارگردان فیلم هستم. این فیلم به نوعی سفر به درون خودم هم بود و توانستم با سوالات و چراهای هویتی‌ام مواجه شوم. نمی‌توانم بگویم خردمندتر از گذشته و قبل از این فیلم هستم، اما جواب بسیاری از سوال‌هایم را پیدا کردم.

خیلی سعی کردم زمان ساخت این فیلم قسمت‌هایی را پیدا کنم که شخصی باشند تا خصوصی و بتوانم از طریق آن بهایی جهانی را مطرح کنم. تصمیم من این بود که خیالت را کنار بگذارم تا فیلمی را بسازم که با جهانیان ارتباط برقرار کند. اساساً روابط سخت خانوادگی همه جا هست و تنها جایی مطرح نمی‌شود، به ویژه رابطه پدرها و پسرها که معمولاً تلخ‌تر و تندتر هستند. درباره پدر من این نکته هم وجود داشت که او در فرهنگی غریبه ساکن شده بود و این فاصله ما را بیشتر می‌کرد.

ننا

موضوع فیلم: روایتی از انعکاس جهان به زبان تصویر
کارگردان: محمد رضا وطن دوست

وطن دوست:

من طلبه و دانش‌آموز سینما هستم. من هنرمندم و اثرم یک موجود زنده است و خودش می‌تواند حرف بزند. همه آثار سینمایی دنیا از یک موضوع آغاز می‌شوند و با یک ایده بسط پیدا می‌کنند. ایده این فیلم انعکاس نیست، بلکه پیشنهادی است برای جور دیگر دیدن دنیا.

آن چه برای من موضوعیت داشت، ریشه در مطالعات دوران جوانی‌ام دارد. مطالعاتی که بر مبنای آن جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، جهانی مجازی است و حقیقت جای دیگری است. نکته‌ای که افلاطون هم در قالب مثال غار آن را مطرح کرده است. آن چه دغدغه من بود، کشف جهانی دیگر بود در همین جهانی که زندگی می‌کنیم. می‌خواستم لحظاتی مخاطب خود را درگیر این سوال کنم که «سا کجا زندگی می‌کنیم؟» فیلم لایه‌های دیگری هم دارد که برای هر مخاطبی قابل درک است.

قطبی زاده:

خیلی وقت‌ها فیلم‌هایی که ما می‌بینیم فاقد جهان بینی هستند، فارغ از کیفیت فنی و ساختاری. آن چه امروز می‌تواند روی من مخاطب تاثیر بگذارد، بینش هنرمند است. وقتی با آثار هنرمندان بزرگ تاریخ مواجه می‌شوم، احساس می‌کنم آن چه باعث ماندگاری آن‌ها شده، چیزی متفاوت از برداشت‌های امروزی‌ما است.

هر بدعتی الزاماً فضیلت نیست. زمانی در دوره قبلی مدیریت مرکز گسترش ما را به جزیره ابوموسی برد تا با فعالان سینمای مستند در عرصه تئوریک همانندیشی درباره سینمای تجربی داشته باشیم. نظرات مختلف آن همانندیشی تبدیل به کتاب هم شد. من فکر می‌کنم سینمای تجربی در ایران به شدت به دنبال معناست. اساساً هر آن چه را می‌سازیم و به نام تجربی می‌بندیم، توجیه می‌کنیم. امروز سینمای تجربی، سینمای توجیه‌گر است و گاهی کم‌سوادی و کم‌تجربگی خود را پای آن می‌گذاریم. این امروز تبدیل به بحران در سینمای ما شده است و باید آن را حل کنیم.

در مواجهه با فیلم آقای وطن دوست تنها متوجه یک ایده شدم و آن ایده هم «انعکاس» بود. گاه به شکل انعکاس تصویر در آب و گاه به صورت سایه‌ها. این ایده برای من جالب بود، اما فقط جالب بود و بعد از دو بار تماشای فیلم احساس کردم چیزی دستگیرم نشده است.

انحصار ورته

موضوع فیلم: مروری بر زندگی و زمانه شهید آوینی
کارگردان: محمد علی شعبانی

شعبانی:

آن چیزی که من در فیلم خودم دوست دارم، تغییر است. اصولاً هر تغییری را من دوست دارم و وقتی به عنوان مخاطب، چنین فیلمی را می‌بینم دوست دارم تغییر کنم.

پدر من فیلم‌ساز آوینی بود. از صدای شهید آوینی که در خانه ما به آقا مرتضی معروف بود، می‌ترسیدم. یادآور نبود پدرم در خانه بود. فکر می‌کنم داشتن پشتوانه تحقیقاتی و اطلاعاتی خیلی کمک کننده است، اما هم‌زمان می‌تواند حجاب هم باشد هر چه پیش رفته از تنفر بچی، عاشق شدم، به خصوص وقتی که فهمیدم در زندگی متفاوت مواجه شدم. برای ساخت این فیلم فرور بخت و با بدیده‌ای متفاوت مواجه شدم. برای ساخت این فیلم باید همه این احساسات شخصی‌ام را کنار بگذارم و بعد سراغ سوزه بروم. سخت‌ترین کار در طول ساخت فیلم همین فاصله‌گذاری بود.

قطبی زاده:

اصولاً ساخت هر مستندی درباره شهید آوینی برای شخص من بیشتر دافع‌برانگیز است، چرا که آن قدر مستند درباره این شخصیت ساخته شده که دیگر حرف تازه‌ای ندارند. با این ذهنیت فیلم را دیدم، اما امروز به عنوان یک دوستدار فیلم امیدوارم جلوی نمایش آن گرفته نشود. تصویری که در این فیلم از مرتضی آوینی ارائه شده، ناب‌ترین تصویری است که از او دیده‌ایم، حتی به نسبت فیلم‌هایی که فیلمسازان مطرح مادرپاره‌ها ساخته‌اند.

مستند و پرتره‌ای درباره سالینجر ساخته شد که او را به واسطه ناتو در دست می‌شناختم. این مستند بعد از مرگ او ساخته شد، چرا که حقایقی در آن بود که نگاه من علاقه‌مند نیست به او را تغییر داد و تازه دیدم چه ویژگی‌های منفی‌ای داشته است. آن جا بحث درباره وجه پنهان سالینجر بود، اما این جای بحث وجه پنهان نگه‌داشته‌شده از سوی نگاه رسمی درباره آوینی است. مواجه شدن با این روایت به خصوص برای طرفداران این روایت رسمی لازم است.

به عنوان دوستدار فیلم امیدوارم صدایم به آن‌ها که بعدها قرار است مخاطب این فیلم باشند، برسد که اجازه دهید این فیلم را بدون هیچ فشاری درباره آن تماشا کنند و اجازه دهید فیلم دیده شود. این مستندها هستند که به ما کمک می‌کنند از فضای تعارفات و ناشناخته‌ماندن چهره‌ها که امروز گرفتار آن هستیم، خارج شویم.

Routes to Achieve International Equipment

Those filmmakers who want to participate in an international film festival or profit of having international producers must read the report. Directors and producers like their works to be seen; participating in different film festivals is one of the best opportunities for achieving this goal. On the other hand, many film festivals try to provide many facilities for the filmmakers. On the 5th day of Cinema Verite Festival, a workshop under the title of "How Does A Documentary Film Festival Program to Select Films? How Are Funds Allocated to Documentary Projects?" was held. In this workshop, it was tried to answer to many questions like them.



مسیرهای دسترس به امکانات

فیلمسازانی که می‌خواهند در جشنواره‌های بین‌المللی شرکت و از تهیه‌کننده‌های مشترک خارجی استفاده کنند، این گزارش را بخوانند

رها صادقی

Raha.sadeghi@gmail.com

- موضوع کارگاه: چگونه جشنواره‌های مستند برای انتخاب فیلم بر نام‌ریزی می‌کنند؟ چگونه صندوق‌های بین‌المللی پول بر روز و انتخاب می‌کنند؟
- مهمانان: اوه ناسرن، جیوانا نازارو، نیکلاس انگستروم، تام پاورز و پراو یک گیلسو یک

کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها دوست دارند آثارشان دیده شود. حضور در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی یکی از بهترین فرصت‌ها برای رسیدن به این منظور است. از آن سو بسیاری از جشنواره‌ها تلاش می‌کنند این شرایط را برای فیلمسازان مهیا کنند. در روز پنجم جشنواره سینما حقیقت کارگاهی برگزار شد با عنوان: «چگونه جشنواره‌های مستند برای انتخاب فیلم بر نام‌ریزی می‌کنند؟ چگونه صندوق‌های بین‌المللی پول بر روز و انتخاب می‌کنند؟» در این کارگاه تلاش شد به برخی از سوالات و ابهامات در این زمینه پاسخ داده شود.

طرح‌هایی هستیم تا بدانید چه طرح‌هایی را باید ارسال کنید و در بخش فاند فیلم چه کسی قرار دارد؟ در ابتدا پول از سمت وزارت امور خارجه نروژ در قبالت کمک‌های فرهنگی پرداخت می‌شود. در واقع این جشنواره دو حامی دارد: یکی موسسه سینمایی نروژ است که کارهای اداری و انجام می‌دهد و دیگری مسئول است که بحث‌های مربوط به تبلیغ را برعهده دارد. نخستین پروژه‌های فاند که توانستند حمایت مالی بگیرند، از سال ۲۰۱۲ بود. الان در سومین دوره فعالیت‌مان هستیم و از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ یک و نیم میلیون یورو در قالب فاند فیلم توزیع کردیم. اما برویم سراغ هدف. هدف ایجاد انگیزه برای فیلمسازان کشورهای در حال توسعه و همین‌طور تقویت آزادی بیان در این کشورهاست. هدف وزارت امور خارجه نروژ نیز از قرار دادن این پول، یکی کمک به صنعت سینما در کشورهای دریاقت‌کننده این فاند‌هاست و دیگری کمک به تعامل و همکاری میان صنعت سینمای نروژ و صنعت کشورهای است که دریاقت‌کننده کمک هستند. در باره فیلم‌های مورد قبول حداقل زمان آن باید ۵۰ دقیقه باشد که نشان می‌دهد از فیلم کوتاه حمایت نمی‌کنیم. فیلم‌هایی که ممکن است برای اکران سینمایی، تلویزیون و سایر وسایل رسانه‌ای دیگر تهیه شده باشند، مورد توجه ما قرار می‌گیرند. حداکثر کمکی که می‌توانیم به یک پروژه کنیم ۱۲۰ هزار یورو است، نه بیشتر. یک نقض‌های در نظر گرفته شده که نشان می‌دهد کدام کشورها اجازه دارند از ما فاند دریافت کنند. به طور خلاصه می‌توانم بگویم ایران یکی از کشورهای است که می‌تواند از فاند استفاده کند. حالا بپردازیم به معیارهای ما. تهیه‌کننده اصلی اثر حتما باید در کشورهای ساکن باشد که در فهرست ما مورد تایید هستند. کارگردان اثر هم باید ساکن باشد یا شهروندی کشورهای مورد تایید داشته باشد. قسمت عمده فیلمبرداری هم باید در زادگاه یا کشورهای باشد که در این فهرست هستند. انجام شود. همچنین ۷۰ درصد بودجه و وامی که داده می‌شود، باید در کشور زادگاه مصرف شود. این را هم اضافه کنیم که نمی‌شود ۷۰ درصد آن را در کشور خودتان و باقی را در اروپا هزینه کنید. در این شرایط شما از حوزه مجاز بودن خارج می‌شوید. باید کار پروژه شما ریشه در کشورتان داشته باشد. ما در نهایت فاینسینگ تکمیلی انجام می‌دهیم. حداقل ۵۰ درصد بودجه را باید ثابت کنید که تأمین کرده‌اید و تایید شده است. شما نیاز به یک تهیه‌کننده با انرژی دارید تا نقش اصلی و تکمیلی داشته باشد. ما تلاش می‌کنیم طی برنامه‌های فیلم جنوب را گسترش دهیم، تا کاری کنیم که تهیه‌کننده مشترک الزاماً نروژی نباشد و بتواند از کشورهای دیگر نیز حضور پیدا کند.

تام پاورز: من فکر می‌کنم به هر فستیوالی نگاه کنید با دو نکته مشترک در همه آن‌ها مواجه خواهید شد. نکته نخست تکرار شدن فیلمسازهایی است که در سطح جهانی برجسته شده‌اند. این فیلمسازها کسانی هستند که پیشینه خوبی دارند و صداهای‌شان رسات و شنیده می‌شوند، همچنین این فیلمسازها مخاطب‌های پیگیری دارند که همیشه منتظر کارهای تازه آن‌ها هستند. نکته دوم آن‌هایی هستند که کشف‌شان می‌کنیم و فیلمسازان نوظهوری‌اند. مطمئناً همه برنامه‌ریزان جشنواره‌های مستند با من هم‌عقیده‌اند که این فیلمسازان برای آن‌ها انگیزه‌ای است تا صبح‌ها از خواب بیدار شوند و در بین فیلم‌ها یک فیلم را پیدا کنند که صدای تازه‌ای را به گوش جامعه برساند.

نیکلاس انگستروم: خیلی در این جا قضیه بی‌رحمانه نشان داده شد. هر جشنواره معیارهای خودش را دارد. ممکن است در یک جشنواره فیلمی برگزیده شود، اما در جشنواره دیگر رد شود. در جشنواره‌ها سلاقی مختلف وجود دارد، اما به این معنی نیست که اگر یک فیلم در جشنواره‌ای مورد تایید قرار نگرفت، فیلم بدی است و مناسب نیست، چون ممکن است در جشنواره دیگر مورد تایید سلاقی باشد.

پراو یک گیلسو یک: من مدیر پروژه در فاند سینمایی یا صندوق‌های حمایتی فیلم‌های جنوب و برنامه‌ریز جشنواره فیلم‌های جنوب هستم که مالکیت فاند فیلم از همین جشنواره است. در ابتدا فاندی که در آن هستیم را به‌طور مختصر معرفی می‌کنم و بعد از آن در خصوص این که صندوق حمایتی فیلم چه کارهایی می‌کند، صحبت می‌کنم و می‌گویم به دنبال چه

جیوانا نازارو: کسانی که فیلم‌های‌شان را برای حضور در جشنواره‌های مختلف ارسال می‌کنند، تصور نکنند در انتخاب این فیلم‌ها پارتی‌سازی می‌شود. در ابتدا بهتر است درباره روند انتخاب صحبت کنیم. ابتدا هر کدام از اعضای هیأت انتخاب یکسری از فیلم‌ها را برای انتخاب در آینده مطرح می‌کنند. در نهایت با وجود آن که فرآیند دموکراتیک است، اما این دبیر جشنواره است که حرف آخر را می‌زند. در نتیجه تمامی فیلم‌هایی که ارزیابی شده و به مسابقه فستیوال ما در نیون راه پیدا می‌کنند، ثبت‌نامی هستند و روال رسمی را طی کرده‌اند. بنابراین از هیچ روش زیرمیزی و روش جانبی، فیلم‌ها وارد فستیوال نمی‌شوند. همه فیلم‌ها رقابت عادلانه دارند و مستندساز مستقلی که خودش فیلم را فیلمبرداری، تدوین و حتی زیرنویس کرده می‌تواند همان قدر شانس ورود به بخش مسابقه جشنواره را داشته باشد که یک فرد و کمپانی معروف تر دارد. همه ما برنامه‌ریزان جشنواره‌ها واقف هستیم که این روند انتخاب و رد فیلم‌ها چقدر بی‌رحمانه است. شما باید به روند جشنواره‌ای که فیلم ارسال می‌کنید، ایمان داشته باشید. شما فیلم‌تان را برای غربی‌هایی که در آن سوی جهان است، می‌فرستید تا آن را وارد فرآیند انتخاب کنند و باید امیدوار باشید این انتخاب‌ها عادلانه باشد. بعضی فیلمسازها هستند که پیشرفت سینمایی آن‌ها جذاب است و همه بگیرند آثارشان هستند، یکسری هم مستندسازهای نوظهورند. برای همین دو بخش مسابقه داریم؛ یکی بخش مسابقه اصلی است که فیلم‌های فیلمسازهای معروف تر در آن جای می‌گیرد و بخش دیگر نگاه تازه است که نسل جوان تر سینماگران را در خودش جای می‌دهد. این طور می‌خواهند بهترین‌های هر دو جهان فیلمسازی مورد توجه قرار بگیرند.



ضيافت حقيقت

آيين مهماني بين الملل جشنواره دهم سينما حقيقت با حضور هيئت انتخاب و داوران بخش هاي مختلف در هتل لاله تهران برگزار شد

اميد صبوري

omid.sabori88@gmail.com

سنت برگزاري ضيافت شبانه يكي از برنامه هاي جنبى اما به يادمانى در جشنواره هاي مختلف سينمايى است؛ آيينى نيمه رسمى و نيمه خودمانى كه هم سر و شكل دور همى دارد و هم سخنرانى و نقد پير. پنج شنبه شب هم نوبت به سينما حقيقت رسيد تا به رسم اين آيين، جمعى از اعضاى هيأت انتخاب و داورى را به همراه جمعى از مستندسازان به «ضيافت بين الملل» خودفراخواند.

اين جا هتل لاله تهران است. محل برگزاري شبانه ينى مهمانان خارجى و اعضاى هيأت انتخاب و داورى دهمين جشنواره بين المللى سينما حقيقت. جمعى از چهره هاي حرفه اى و باسابقه از سينماگران و مستندسازان را مى توان نشسته در گرد ميزهاى پذيرايى، مشغول گپ و گفت ديد. مهمانان خارجى جشنواره در مركز سالن، مستندسازان كرمانى كمى آن طرف تر و اعضاى هيأت انتخاب و داورى تقريبا دور ميزهاى كنارى نشسته اند. به رسم گهدهاى رسمى از اين دست هم مسؤلان مركز گسترش سينمايى مستند و تجربى به عنوان متوليان اصلى ميزبانى جشنواره سينما حقيقت هستند كه در ورودى سالن به مهمانان تازه رسيده خير مقدم مى گویند. همه گرم سلام و احوال پرسي هستند و گويى اين سنتى است كه در رعايت آن نبايد تفاوتى ميان مهمانان داخلى و خارجى قائل بود.

خارجى هاي پراثرترى

يكي از ويژگى هاي بارز مهمانان خارجى دهمين جشنواره بين الملل كه به مناسبت پيش تر هم به آن اشاره كرده بوديم، تر كيب سنى جوانان است. جوانانى پراثرترى كه در روزهاى گذشته از جشنواره شصورى بيجير در پرديس سينمايى چارسو داشتند و كمتر به يكجانشينى بسنده مى كردند. همين شور و حال را در ضيافت بين الملل جشنواره هم مى شد ديد. همه مهمانان خارجى جشنواره از مستندسازان كار اولى گرفته تا داوران باسابقه در اين مهمانى حاضر بودند تا رسم مهمان نوازي يك جشنواره ايرانى را اين گونه تجربه كنند.

دور همى كرمانى ها

اين تنها مهمانان خارجى نبودند كه با اثرترى در ضيافت بين الملل جشنواره حاضر شده بودند، به فاصله چند ميز از آن ها مى توانستى جمع مستندسازان كرمانى را ببينى كه با همان حس و حالى كه از ابتدائى جشنواره در غرفه مخصوص خود در طبقه ششم پرديس چارسو داشتند، اين بار در طبقه هم كف هتل لاله دور هم نشسته و از هر درى سخنى مى گفتند. كافى بود به جمع شان نزديك شوى و سوالى بپرسى؛ چند نفرى با همراهمى هم پاسخ را تكه تكه كامل مى كردند و هر جا فرصتى پيش مى آمد، ليخندى هم ضميمه اش مى كردند. اين حس و حال مستندسازان ديارى است كه قرار بود در ضيافت بين الملل جشنواره دهم، آيين قدر دانى از آن ها هم برگزار شود.

جشنواره هاي شبیه آينه

در روز افتتاحيه جشنواره دهم بود كه محمدمهدى طباطبايى نژاد ميكروفن در دست گرفت و گفت ترجيح داديم به جاى آيين هاي خشك و كليشه اى افتتاحيه جشنواره را با يك دور همى ساده آغاز كنيم. با همين استدلال هم وقتى از دبير جشنواره دهم دعوت شد تا پشت تريبون ضيافت بين الملل

طباطبايى نژاد:

جشنواره

سينما حقيقت

امروز شرايطى را

فراهم آورده كه

سينمايى مستند از

انزوا خارج شده و به

عنوان يك بخش

مهم سينمايى

ايران توفيقاى

به دست آورده

است. گواه اين ادعا

اقبال و استقبال

ستودنى است كه

مفاطبان مستند

در جشنواره هاي

مختلف از اين

سينما دارند

جشنواره قرار بگيرد به جاى سخنرانى طولانى و رسمى ترجيح داد به خير مقدم حاضران بسنده كند و تنها از اميدوارى ها و خوشحالى هايش درباره شرايط امروز سينمايى مستند بگويد؛ «جشنواره سينما حقيقت امروز شرايطى را براى سينمايى مستند فراهم آورده كه اين سينما از انزوای گذشته خود خارج شده و به عنوان يك بخش مهم سينمايى ايران توفيقاى به دست آورده است. گواه اين ادعا اقبال و استقبال ستودنى است كه مخاطبان مستند در جشنواره هاي مختلف از اين سينما دارند.» طباطبايى درباره «سينما حقيقت» هم به اين نكته اشاره كرد كه «سينما حقيقت با تمسك به فرمايش امام على (ع) تلاش كرده است آينه اى زلال از جامعه، فرهنگ و تمدن ايران عزيز باشد و در همين راستا رواى هر ساله جشنواره اين است كه توجه ويژه به يكي از استان هاي كشور داشته باشد و امسال خوشحالي نكوداشت سينمايى مستند كرمان را برگزار مى كنيم.» بعد از همين سخنرانى کوتاه بود كه نوبت به دعوت دبير جشنواره از يكي از مهمانان ويژه ضيافت براى سخنرانى رسيد.

واقعيّت يا حقيقت

هوشنگ مرادى كرمانى چهره خاطره ساز ادبيات ايران شايد بهترين انتخاب براى سخنرانى در آيين قدر دانى از مستندسازان كرمانى بود. نويسنده «قصه هاي مجيد» وقتى پشت تريبون قرار گرفت، سخنانش را با دستمزد زياد به عوامل و سياستگذاران جشنواره «سينما حقيقت» آغاز كرد و در ادامه سراغ تفاوت «واقعيّت» و «حقيقت» در زبان فارسى رفت و گفت: «دو واژه در فارسى داريم؛ يكي واقعيّت و ديگرى حقيقت. حقيقت چند قدم از واقعيّت جلوتر است، به اين جهت كه وقتى چيزى واقعيّت است، يعنى واقع شده و با چشم آن را مى بينيم، اما وقتى آرزو مى كنيم كاش واقعيّت جور ديگرى بود، تبديل به حقيقت مى شود.» اين نويسنده با سابقه به استاد همين مقدمه صحبت هايش را اين گونه ادامه داد: «ما زنده ايم، در روز حرف مى زنيم، حرّكت مى كنيم با دوستان مان سلام و عليک مى كنيم و نان مى خوريم؛ اين يعنى زنده بودن كه واقعيّت ما است، اما ما فكر، اندیشه، تفكر و پشتوانه اى داريم كه به آن حقيقت مى گوييم.»

تفاوت هنرمند و مردم عادى

مرادى كرمانى در ادامه سخنان خود كه همزمان براى مهمانان خارجى ترجمه مى شد، گفت: «اين كه خانواده كسى چه شرايطى دارد و چگونه زندگى را مى گذرانند، واقعيّت يك فرد است، اما حقيقت ما همان طور كه گفتيم در ذهن ما است و نشانه آن چيزى است كه آرزويش را داريم. تفاوت يك هنرمند با آدم عادى، ديدن حقيقت است. مردم عادى واقعيّت را مى بينند و هنرمند حقيقت آن را، شما ساختمانى مى بينيد

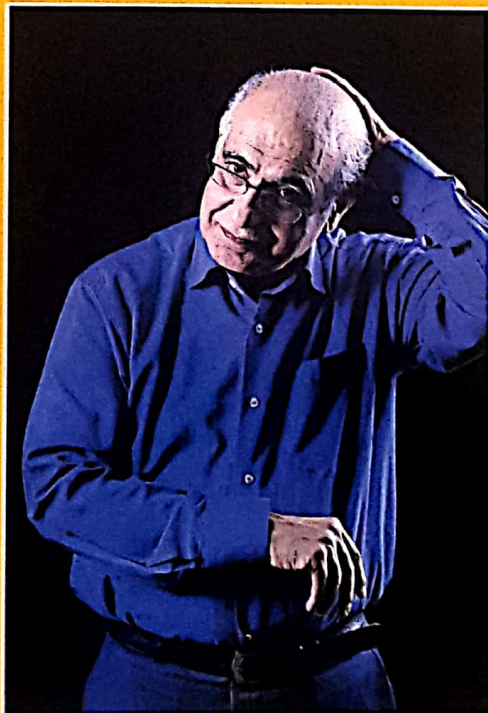
نگاه ژرف و خلاق سینمای مستند

هوشنگ مرادی کرمانی در گفت و گو با نشریه روزانه جشنواره سینما حقیقت، نگاه نو و هوشمندانه مستندساز در کشف حقایق پنهان هر موضوع را عامل اصلی جذب مخاطب می داند

ملیسا معمار
m.memar2000@gmail.com

نویسنده «مر بابی شیرین»، «شما که غریبه نیستید» و «خمره» این روزها کمتر تن به مصاحبه می دهد، پس باید پای مجید و سینما را به میان کشید تا درباره سینمای مستند با خالق مهربان و صادق «قصه های مجید» هوشنگ مرادی کرمانی گفت و گو کرد. هوشنگ مرادی کرمانی جزو معدود نویسنده های ایرانی است که آثار مکتوب او تبدیل به نسخه های سینمایی یا تلویزیونی شده است. قصه های مجید یکی از پر تماشاگرترین مجموعه های تلویزیونی بعد از انقلاب شد و او را تبدیل به چهره ای دوست داشتنی کرد. بخشی از این قصه ها ۲۵ سال پیش سوزه کیورث پورا احمد در فیلم سینمایی «شرم» شد؛ جایی که مجید در قالب یک مستندساز سراغ قصه ای واقعی می رود. هر چند شرم را پورا احمد نوشت و مرادی کرمانی موفقیت فیلم هایی را که براساس داستان هایش ساخته شد مرهون زحمت کارگردان ها می داند، اما چه کسی می تواند دست بخت شیرین قصه های مجید و دیگر شخصیت های داستانی اش را در جلب مخاطب انکار کند. تاکنون بیش از ۲۳ داستان این نویسنده به فیلمنامه تبدیل شده که در نوع خود رکوردی منحصر به فرد است... ارتباط خوب ادبیات و سینما و این بار حقیقت سینمای مستند انگیزه های شد سراغ نویسنده پیشکسوت کشورمان برویم و درباره فیلم های مستند نظراتش را جویا شویم، به ویژه این که تاکنون سه مستند با موضوع زندگی اش ساخته شده و این یعنی رابطه آقای نویسنده و مستند خیلی خوب است. چکیده گفته های مرادی کرمانی درباره سینمای مستند: «در سینمای مستند نگاه خلاق و هنرمندانه کارگردان است که می تواند در جذب مخاطب موثر باشد و این مساله در تولید آثار این حوزه چندان مورد توجه قرار نگرفته است، در پس هر موضوعی، حقیقتی نهفته و پنهان است که مستندساز باید با نگاهی نو، ژرف و هوشمندانه آن را کشف کند و به مخاطب نشان دهد.»

مشر و مصاحبه در صفحات ۸ و ۹



Interview

No.6.Fri,9thDec.2016

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7

Verite Reception

Reception of International section of 10th Iran International Documentary Film Festival, Cinema Verite Was Held with Tribute of Kermani Documentaries. Tradition of holding reception with presence of special guests is one of the side programs most of film festivals which is very memorable; a half-formal in a friendly atmosphere which is mostly like a gathering rather than a formal reception. On Thursday night, it was Cinema Verite's turn that hosted number of members of selection and jury boards with participating number of documentarists in "Reception of International Section". Hotel Laleh was the location of the party and beside of the jury boards and selection ones, there were documentarists from Kerman as the special guests of the festival which especially were honored. However, the managers of DEFC were the main hosts of the reception.

مانند تخت جمشید بالزک هم، این واقعیت است. وقتی که می خواهیم درباره این واقعیت فیلم بسازیم، هنرمند سراغ هر کدام از این ساختمان ها که می رود باید حقیقت این بناها را هم ببیند. هنرمند در پس ظاهر و واقعیت، موقعیتی را می بیند که دیدن آن هنر است و پشت همه این بناها و نلواهر، انسان ایرانی ایستاده است.»

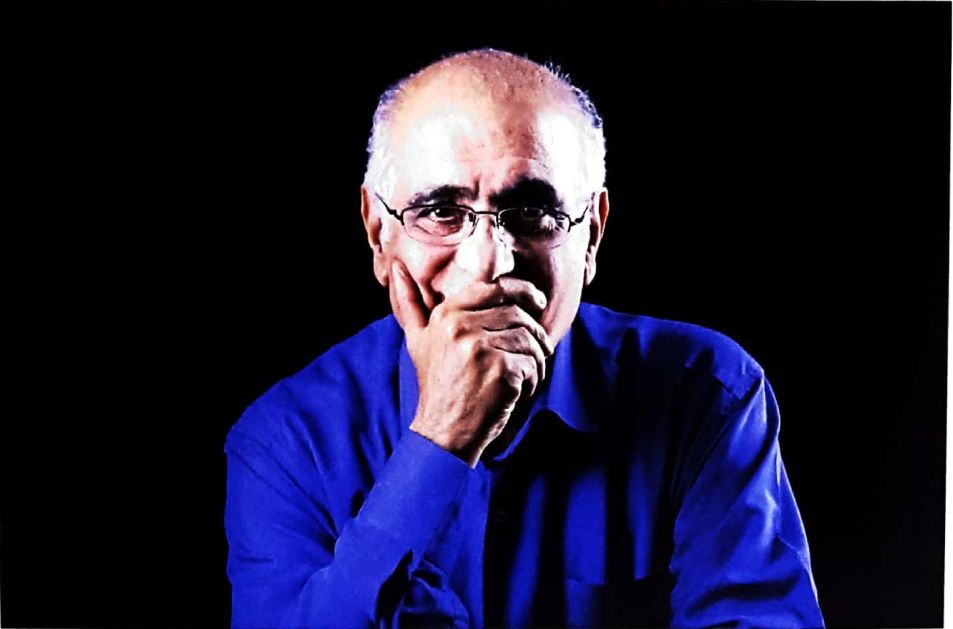
انسان ایرانی را روایت کنیم
نویسنده «شما که غریبه نیستید» در ادامه گفت: «ما به عنوان یک هنرمند یا فیلمساز باید این انسان ایرانی را ببینیم. انسانی که زنده است، نفس می کشد و از سال های دور به ما رسیده است. این درباره همه چیز صدق می کند. زمانی که موضوعی یا شخصیتی به فیلم تبدیل می شود پایه وسیله یک ابزار هنری دیگر مانند رمان به آن می پردازیم، باید نفس های این انسان را در آن لحاظ کنیم تا تبدیل به اثری ماندگار شود. حیدرآباد، کوه و متعلقه های شناخته شده نبود، اما شهریار تصویر هنرمندانه آن را ارایه کرد که تا به امروز مانده است.» مرادی کرمانی با توجه به ترکیب مهمانان خارجی این ضیافت مثالی جهانی هم از روایت هنرمندانه زد و گفت: «مارلون براندو یک بازیگر بین المللی است که همه او را می شناسیم و در نقش های مختلف او را به یاد می آوریم. وقتی درباره او فیلم می سازیم و می خواهیم زوایای مختلف زندگی او را روایت کنیم، باید خلاقیت ها، دردها و موفقیت هایش را ببینیم. ما این گونه می توانیم از زندگی یک بازیگر مانند براندو هم یک فیلم ماندگار بسازیم.»

پایان ضیافت
این جا نقطه پایان تنها سخنرانی آیین ضیافت بین الملل جشنواره بود. جایی که با دعوت از منوچهر طبیب، حسن ترابی، سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد، علیرضا نژاد و محمد رضا علیرزاده مدیر کل ارشاد استان کرمان برای همراه شدن با هوشنگ مرادی کرمانی، آیین تقدیر از مستندسازان کرمان برگزار شد. مستندسازانی که هر یک روی سخن حاضر می شدند، هدیه خود را دریافت می کردند، اما تنها یکی از آن ها خواست برای دقایقی پشت تریبون قرار بگیرد و شاید به نیابت از سایرین این دو بیتی را قرائت کند: «هر چند که از روی کریمان خجلدم، غم نیست که پرورده این آب و گلیم/ در روی زمین نیست چو کرمان جایی، کرمان دل عالم است و ما هلال دل ایم.»

غایب بزرگ ضیافت
بخش تقدیر از مستندسازان کرمانی علاوه بر این شعر خوانی یک هدیه به هم داشت. از سوی مستندسازانی که ترجیح داد لوح تقدیر و هدیه این بخش را به استادش تقدیم کند و اینگونه به نسل قبلی مستندسازان کرمانی ادای دین کند. نسلی که البته در فهرست مستندسازان حاضر در بخش ویژه کرمان جشنواره امسال نماینده ای محترم هم نداشتند. استاد منوچهر نسکری نسب که دو تا از فیلم های قدیمی اش در این دوره از جشنواره روی پرده رفت تا در کنار دیگر مستندسازان کرمانی بسادی از میراث او نیز ده باشد. استاد نسکری نسب اما خود غایب بزرگ این آیین بزرگداشت بود. چه زمانی که به ر غم حضور فیلم هایش، به دلیل کسالت هنوز موفق به حضور در جشنواره شده و در شب تقدیر از مستندسازان کرمانی هم غایب بود. ضیافت بین الملل دهمین جشنواره سینما حقیقت با صرف شام و پذیرایی از مهمانان به پایان رسید.

Documentary Cinema Needs Deeper and Creative Look

Houshang Moradi Kermani talked with Daily Bulletin of Cinema Verite Festival and said that new and genius vision of a documentarist in exploring hidden aspects of every each subject is a factor to attract audiences. Writer of "Sweet Jam", "You Are Not Stranger" and "Jug" interviews as less as he could but when we talk about cinema and "Stories of Majid" with him, he accepted to have a short talk with us. He is one of the rarest writers whose stories were cinematic of TV adapted. "Stories of Majid" is one of the best-watched TV series after Islamic revolutionary of Iran which was made based on stories of the Kermani writer and made him a loveable writer. "I'm a big fan of documentary films from long times ago. We have very good documentaries. Many of them were so impressive that I never can forget them, maybe their impact has been rather than feature films like "Stone Garden" directed by Parviz Kiviavi, "Lady of Rose Flower" by Mojtaba Mirtahmasb and "Altan" by Moeen Karimodini".



■ **امالی فرهنگ و هنر هوشنگ مرادی کرمانی** را به عنوان یک نویسنده موفق و برجسته با آثاری خاطره انگیز می‌شناسند. آثاری که نسخه اقتباسی شده برحی از آن‌ها در قالب فیلم و سریال ساخته شده‌اند. حالا سوال این است که سینمای مستند در نگاه مرادی کرمانی چه جایگاهی دارد؟

می‌سال‌ها سال است فیلم‌های مستند می‌بینم و یکی از علاقه‌مندان سینمای مستند هستم. ما فیلم‌های مستند بسیار خوبی داریم، بعضی از این آثار آن قدر در ذهنم تاثیر گذار بوده که هرگز فراموش نمی‌کنم و ناخوشی بیشتر از سینمای داستانی در من داشتم. مانند «عاج سنگی» از پرویز کیمیایی، «جانوی گل‌سرخ» از منوچهر میرغلامساز، «ماتلان از من کرم‌الدینی».

■ **چه تفاوتی بین سینمای مستند و داستانی وجود دارد؟** اکثر بخواهم بسا مثال‌هایی درباره ادبیات این تفاوت‌ها را در بیاوریم، به چه نکاتی اشاره می‌کنید؟

تفاوت فیلم مستند با داستانی این است که فیلم داستانی مانند خواندن یک قصه است، اما دیدن فیلم مستند مانند مطالعه یک مقاله تحقیقی است. برخی مقالات مانند «چرا شاعر حافظ ترجمه‌شدنی نیست؟» یا «زندگی و مرگ پهلوان در شاهنامه» از مقالاتی هستند که بسیار قوی و ماندگارند. مقاله باید ایجاب می‌کند که جنبه‌های مختلف موضوع مورد نظر را بررسی کند. بعد تبدیل به یک مقاله آموزشی شود. فیلم مستند نیز همین طور است. وقتی من یک فیلم مستند راچ به ماها که کرمان یا تخت جمشید می‌بینم، برامی پر ابرام جواب است که بنوام به چیز جدیدی در آن برسم، چیزی که فضا خیلی ساده از کار آن گذشته‌ام و در این فیلم مستند به دلیل وجود زاویه نگاه متفاوت جنبه‌هایی را نشان می‌دهد که می‌تواند برای من تازه و جذاب باشد. این مساله‌هایی می‌دهد پشت این کار گامی تحقیقاتی وجود داشته و از ابرار درستی استفاده شده است که نتوانسته مخاطب را با خود همراه کند.

■ **سوال قبل را کمی تغییر می‌دهم. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین ادبیات داستانی و سینمایی مستند وجود دارد؟**

اسلاوگر نخل را از شعر یا داستان بگیریم دیگر به درد نمی‌خورد، داستان‌های ماندگارند که به جرمان سیال شدن در آن رخ می‌دهد، بی‌بردارند. یک داستان خوب باید پای در زمین و سر در آسمان داشته باشد. اما در تولید فیلم‌های مستند مانند نوشتن مقالات تحقیقاتی باید نگاه عمیق، جدید و تحقیقاتی وجود داشته باشد. در فیلم‌های مستند باید به آن چه در ظاهر منحصی و عیان نیست، باید توجه شود. مستند بیشتر زمینی است تا خیال نیک فرد، اما از رسمی‌ای که می‌تواند در آن قدر اسدلال در آن وجود دارد و خوب پرداخته شده که مخاطب را به خود جذب می‌کند.

■ **در جایی گفته بودید خدمات مستندسازان سینمایی ایران به فرهنگ و تمدن ایرانی بی نظیر است.**

بله گفته بودم مستندسازان، بیفتی‌های زمان معاصر ما مثل بیفتی هم‌گون کار خود را بیشتر انجام می‌دهند. ابراز سینمایی حرفه‌ای قادر است زمان‌های بزرگ و داستان‌های نویسنده مطرح را به تصویر بکشد. اگر چه فیلم‌های خوبی سر در ایس رسیده ساخته‌شده، ولی سینمای مستند در زمینه ادبیات تاریخ نگاری کاری که انجام می‌دهد برتر از ادبیات تاریخ نگاری است.

■ **زندگی شخصیت‌ها خصوصاً چهره‌های فرهنگ و هنر معمولاً سوز‌های خوبی برای ساخت فیلم مستند است. شما به عنوان کسی که هم به سینمای مستند علاقه دارد و هم فیلم زیاد می‌بیند، اوضاع و احوال این نوع مستند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

نامه‌های مستند‌های زیادی در این زمینه ساخته شده، اما مستند خوب و ماندگار کم است. تعداد آن‌ها به بیش از انگشتان یک دست نمی‌رسد. در مستندسازی، از چهره‌ها، باید به ویژگی‌هایی از فرد توجه شود که در ظاهر دیده نمی‌شود، مانند سنسور زندگی او و این که چگونه به این موقعیت رسیده است. اما معمولاً در مستند‌ها به زندگی روزمره فرد می‌پردازند و کارهای روزانه‌ای که مثل همه مردم عادی انجام می‌دهد، مانند راه رفتن، غذا خوردن، ورزش کردن و ... موضوع اصلی می‌شود، در حالی که این موارد چیز نازه‌ای از علو و هو را به ما محال به منتقل نمی‌کند و چندان برایش جذاب و جالب نیست. در فیلم‌های شخصیت‌محور (بزرگه) می‌خواهم ببینم فرد مورد نظر چه کسی است و چه کار کرده که به این موقعیت رسیده و ویژگی‌های فکری او چگونه بوده است. روایت در پس هر فرد چه یک و هر اثر ماندگاری یک شخصیت محکم و مسح و حلاق پنهان شده است که مستندساز باید از آن کشف کند، و گرنه دیدن ظاهر افراد جذابیت زیادی ندارد، چون همه مثل همه هستند.

■ **فکر نمی‌کنید مستندسازها تا به حال توجه کمتری به اهالی شعر و ادب داشته‌اند؟ زندگی شاعران و نویسندگان که سوز و کشتی خوبی برای خلق یک مستند را دارد و حتی می‌تواند مخاطب را نیز همراه کند، متلاً در باره زندگی نیما یوشیج تا سال ۱۳۸۶ هیچ مستندی ساخته نشده است.**

اتفاقاً به نظر من تعداد آثار در این حوزه زیاد است. اما اثر خوب و ماندگار مانند «هزاره طلسمانی» خسرو سینایی است. یکی از دلایل آن هم وجود مشکل مالی در این حوزه است. ساختن فیلم مستند نیازمند پشونه مالی و حمایت‌های دولتی است که چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. دویس ساله دانشن حوصله و پشتکار لازم است. سازندگان مستند باید صبور باشند، با علاقه به تحقیق و پژوهش دربار موضوع مورد نظرشان بپردازند و با حوصله کار کنند. ممکن است ساختن یک مستند خوب ۵ تا ۱۰ سال هم طول بکشد، باید تا می‌جوشگی سوز این کار رفت. مناسفانه در کشور ما همه فکر می‌کنند سینمای مستند بسیار ساده و همه چیز آن آماده است. درحالی که این طور نیست، سینمای مستند بسیار

سوم این است که این افراد دیگر سعی از آن‌ها گذشته و اغلب بسیار متواضع و فروتن هستند، مانند محمدابراهیم باستانی باربری، ایرج افشار و ... دیگر حال و حوصله جلوی دوربین رفتن و زینت گرفتن ندارند. معمولاً مستندسازان هم سرکار افرادی می‌روند که سن بالایی دارند و نمی‌توانند به خوبی با آن‌ها همکاری کنند. خیلی کم پیش می‌آید سوز و کارگردان توانمند ما هم کنار نیاید.

■ **این مساله در مورد شما هم صدق می‌کند و حوصله همکاری با مستندسازان را ندارد؟**

من چون از دوران جوانی به سینما علاقه‌مند بودم، با این حوزه آشنایی دارم و با افرادی که برای ساختن فیلم برنامه می‌آیند، همکاری می‌کنم. همیشه دوست دارم جوان‌ها کار کنند و خوشحال از نشان دهند. شاید یکی از آن‌ها خلافت و نگاه ناز به داشته باشد که بقیه ندارند. اوج خلافت این است که آن‌ها فرد در چیزی را پیدا کنند که خود آن فرد هم ندارد، این کار هوشمندی خاصی می‌طلبد و ما باید جوان‌هایمان را به این مستوسو هدایت کنیم.

■ **به مستندسازان خصوصاً جوان‌ترها چه توصیه‌ای دارید؟**

به افرادی که پیشنهاددهنده و دست‌اندر کار فیلم‌های مستند هستند، پیشنهاد می‌کنم قدر افراد خلاق را که آثار خوبی تولید می‌کنند، بداند و با آن‌ها را تشویق کند تا شاهد تولید فیلم‌های مستند خوب، ماندگار و تاثیر گذار باشیم. همچنین به دست‌اندر کاران در حضوره و سیمناحقیقت هم پیشنهاد می‌دهم. بخش جداگانه‌ای را به بررسی فیلم‌های مستند شخصیت‌محور (بزرگه) اختصاص دادند و هیات داوران بهتر این آثار این حوزه را انتخاب و تشویق کنند. قطعاً این کار در افزایش کیفیت فیلم‌های مستند شخصیت‌محور بسیار موثر خواهد بود.

■ **اگر بخواهید به طور فشرده سینمای مستند را آسبیت‌شناسی کنید، به چه مواردی اشاره می‌کنید؟**

به نظرم یکی از نقاط ضعفی که در سینمای مستند ایران وجود دارد و باید بیشتر مورد توجه مستندسازان قرار گیرد این است که مستند تصویرگر کم داریم و بیشتر گفتاری است ما می‌خواهیم همه چیز را با کلام و گفتار حل کنیم. بعضی چیزها در تصویر کاملاً واضح و روشن است و نیازی به تریس و گفتار ندارد، خیلی از اوقات تریس‌های این گونه فیلم‌ها برای مخاطبان آزاردهنده است. مستندسازان باید در تولید این آثار قضایی را فراهم کنند تا ذهن مخاطب فرصت تجربه و تحلیل داشته باشد و نتواند نتیجه‌گیری کند از سوی دیگر تعداد مستند‌هایی که هر صحنه‌ها به یک موضوع واقعی نگاه می‌کنند و نگاه دارند، خیلی کم است. باید بتوان چیز نازه‌ای را از دل یک واقعیت بیرون کشید. اکثر افرادی که در این حوزه هستند به صورت سفارشی کار و به نوعی سرهم‌بندی می‌کنند، درحالی که مستندساز باید همراه با تحقیقات گسترده و نگاهی نو و خلاقانه به یک واقعیت باشد.

سازندگان مستند باید صبور باشند، با علاقه به تحقیق و پژوهش درباره موضوع مورد نظرشان بپردازند و با حوصله کار کنند. ممکن است ساختن یک مستند خوب تا ۱۰ سال هم طول بکشد، باید با علاقه و صبوری به موضوع سرع این کار رفت.

سینمای مستند، سینمای تفریح و لذت بردن نیست، مگر برای افراد خاص که به این حوزه علاقه‌مند هستند و لذت می‌برند. مخاطبان مستندسازان و دوست‌داران بعد از دیدن یک مستند الفانی خاص در ذهن‌ها بیدار

interview No.6, Fri, 9th Dec, 2016

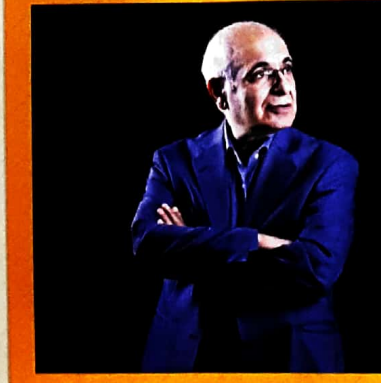
CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

آقای نویسنده به روایت مستند

مرادی کرمانی نویسنده‌ای است که نه تنها قصه‌هایش فیلم شده، بلکه خودش هم چند بار سوز مستندسازان ایرانی بوده، مستند‌هایی که به روایت زندگی شخصی و حرفه‌ای او پرداخته‌اند. مستند بلند «قصه‌ها با نگاه» به زندگی «هوشنگ مرادی کرمانی» به گذشته او سرگ می‌کشد. در این باره گفتند که گذشته با تکیه بر صحبت‌های اطرافیان و مهم‌تر از آن درونمایه داستان‌هایش، بخشی از شخصیت مرادی کرمانی و دلایل موفقیتش را آشکار می‌کند. این فیلم مستند به کارگردانی مهدی جعفری ساخته شده است. «سیرج» نام روستایی زادگاه هوشنگ مرادی کرمانی و نام مستند دیگری است که باید علیرزاده به تهیه‌کنندگی محمدرضا شرفی نیا کارگردانی آن را برعهده داشته و گویندگی این فیلم را خود مرادی کرمانی انجام داده است. مستند سوم هم ساخته مهدی قربان پور است که آقای نویسنده از آن به عنوان اثری شرافت‌مندانه یاد می‌کند. سه مستند فوق‌ادای دینی است که این سینما به نویسنده کودک و نوجوان کشورمان کرده، هر چند مورد در صایت نام و نام‌آوست، اما به هر حال تجربه‌ای است که حقایق از زندگی او را برای مخاطبان و دوستداران او به تصویر می‌کشد.

آن چه از سینما آموختم

مرادی کرمانی دو سال پیش در نشست «دیار» گفت‌وگو با استادان و پژوهشگران فرهنگ و ادب ایران «حرف‌های جالبی درباره علاقه‌مندی‌اش به سینما بیان کرد که بخشی از آن را به نقل از خیرگزاری مهر مرور می‌کنیم؛ وقتی در روستا زندگی می‌کردم عاشق تفریح و نمایش‌های روستاییان بودم، اغلب هم با بچه‌ها، تفریح به خوبی راه می‌آنداختیم و من نقش شمر را بازی می‌کردم. برخلاف پدرم که گویا هنگام جوانی و سلامتی علی‌گیر خان تفریح باها بوده است، پس از آن به تئاتر و سینما بسیار علاقه‌مند شدم و به تشویق مجدد محسنی که آن زمان به کرمان آمده بود، راهی تهران شدم که تئاتر بخوانم و با دیگر نوجوانان به مدرسه هنرهای دراماتیک هم رفتم و در آنجا با سعید نیک‌پور و مرحوم علی جانی هم کلاس بودم. نقش‌های کوچک تئاتری هم بازی کردم. منظرم این است که این علاقه همواره به ما من بوده است. یاد می‌آید کرمان دو سینما داشت و من برای این که بدون پول دادن بتوانم هر چقدر دلم می‌خواهد فیلم ببینم، کارمند سینما شدم، یعنی برنامه‌های سینما را با جمله‌های ساده تبلیغی روی کاغذ می‌نوشتم و با کمک پیرمردی شب‌تاصبح آن‌ها را به دیوارهای شهر می‌چسباند.



■ نام فیلم: گاهی روی آب
 ■ کارگردان: سعید ابو عبادی
 ■ مدت زمان: ۳۹ دقیقه
 ■ درباره فیلم: داستان فیلم درباره مردی به نام کاظم وقادار شوشتری است که روی دریا دکاهای دارد و اجناس مورد نیاز ماهیگیرانی را که در مدت یک هفته روی دریا می مانند، تأمین می کند. او علاوه بر فروش اجناس به ماهیگیران شست‌ها برای آن‌ها به وسیله پرورگنور، فیلم نمایش می دهد.



زندگی کاظم

روایت کارگردان «گاهی روی آب» از زندگی جالب دوستش روی آب

رفیقی دارم که ۳۰ سال از من بزرگتر است و هیچگاه فکر نکرده بودم که او چه سوزره خوبی برای مستند است. کاظم وقادار شوشتری فردی است که نقش‌های متفاوتی در سینما بازی می کرد و در فیلم کارگردانسی چون کیانوش عیاری و اسبه شاه‌حسینی بازی کرده بود. او در سنین پیری بدون آن که بازنشسته شود، کنار گذاشته شد و خیلی زود همه او را فراموش کردند. وقادار به بندر بازگشت و پس از تعمیر قایق قدیمی پدر خود دکاهای روی آن ساخت و وسط دریا رفت تا ماهیگیری که برای یک هفته روی آب مشغول ماهیگیری هستند، مجبور به بازگشت به ساحل و خرید خوراکی‌های مورد نیاز خود نشوند. او شب‌ها به وسیله موتور برق فیلم‌های قدیمی چون «آن سوی آتش» را برای مشتریان نمایش می دهد و این چنین در ۲۵ سالگی دوران بازنشستگی خود را میان دریا و ماهیگیران سپری می کند. من ۲۵ سال با کاظم وقادار آشنا بودم، اما زمان ساخت مستند «گاهی روی آب» سعی کردم تمام ذهنیات گذشته‌ام از این فرد را کنار گذاشته و او را دوباره بشناسم.

به نظرم بازنشسته‌ها یک تاریخ هستند و مستند هم که با تاریخ سرو کار دارد باید به ضبط زندگی این سرمایه‌بازان، البته برای ضبط این مستند با سختی‌هایی هم مواجه بودیم که بیشترین آن گرمای هوا بود. گرما و رطوبت هوا در مدت فیلمبرداری به حدی بود که دوربین چند بار از کار افتاد و حتی بوم صدا را هم به ناچار باید دستکش نگه می داشتیم. اما کاظم وقادار در همین گرمای روزگار می گذراند و دکه خود را اداره می کند.

«گاهی روی آب» ویژگی‌های دیگر دارد که هر مخاطبی می تواند از زایه دید خود با آن ارتباط برقرار کند. مثلاً این که اراده شخصیت فیلم یعنی کاظم مستودنی است و می تواند الگویی باشد برای کسانی که شاید گرفتار رخت و تنلی هستند. تماشای اراده‌های آهنین کسانی که نمی خواهند تسلیم شرایط شوند حتماً روی مخاطب اثر دارد. امیدوارم «گاهی روی آب» حق مطلب را درباره سوز و مفاهیم پشت آن محقق کرده باشد.

درباره فیلم

■ نام فیلم: سفر سهراب
 ■ کارگردان: امید عبدالهی
 ■ تهیه کننده: امید عبدالهی
 ■ زمان: ۷۷ دقیقه
 ■ درباره فیلم: در سال ۱۳۴۸ جوانی ۲۶ ساله، پس از چندین سال تحصیل در رشته سینما و تحمل شرایط سخت زندگی دانشجویی در غربت، به کشورش ایران بازمی گردد. او نمی خواهد به عنوان فیلمساز در سینمای تجاری فعالیت کند.



درباره کارگردان

■ نام کارگردان: امید عبدالهی
 ■ مهم ترین آثار:
 مرتبه آخرین درختان ایستاده، شیوه شاعلام، برندگان، میزبان، یادی که می وزد...
 ■ مهم ترین جوایز: جایزه بزرگ بهترین فیلمساز از جشنواره بین المللی فیلم کوتاه ساپورو ژاپن، مدال برنز از جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تریس و...

خرد و تجربه



ملاقات با سهراب شهید ثالث

مستند «سفر سهراب» پژوهشی است در زندگی کارگردان مطرح موج نوی سینمای ایران. با امید عبدالهی درباره این مستند و رویکرد آن گفت و گو کردیم

محمد رضا کاظمی
 rezakazemi.press@gmail.com

سهراب شهید ثالث یکی از آغازگران موج نوی سینمای ایران است که فیلم‌های او «یک اتفاق ساده»، «طبیعت بی جان» و «در غربت» همچنان محل رجوع علاقه‌مندان به سینماست. امید عبدالهی سراغ این فیلمساز شهید رفته و در مستند «سفر سهراب» شیوه فیلمسازی او را سوزده قرار داده است. عبدالهی فعالیت فیلمسازی خود را از اواخر دهه ۷۰ شروع کرد و تاکنون توانسته با آثار کوتاه و مستند خود، در جشنواره‌های متعدد داخلی و خارجی حضور موفقی داشته باشد.

■ مستند «سفر سهراب» چه وجهی از زندگی سهراب شهید ثالث را محور قرار داده است؟

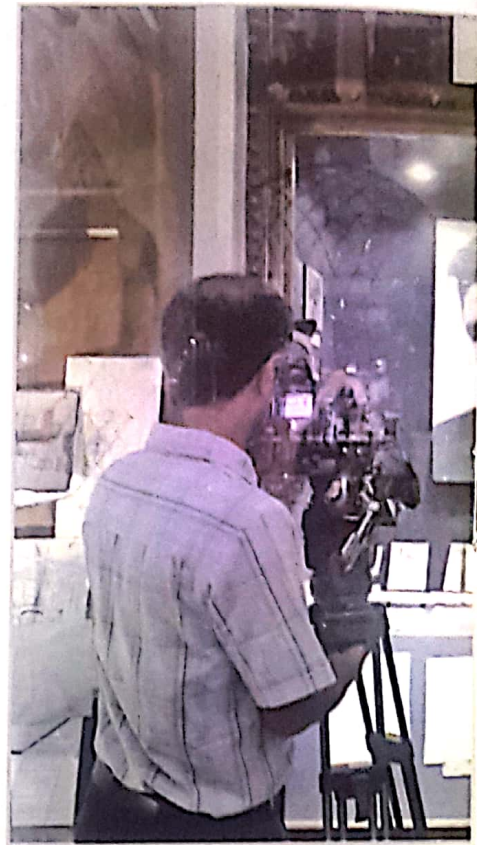
در سال ۱۳۴۸ جوانی ۲۶ ساله، پس از چندین سال تحصیل در رشته سینما و تحمل شرایط سخت زندگی دانشجویی در غربت، به کشورش ایران بازمی گردد. او که نمی خواهد به عنوان فیلمساز در سینمای تجاری و فاقسارزش حاکم بر سینمای آن دوران فعالیت کند، مسیری متفاوت و البته بسیار دشواری را برای ساخت فیلم‌هایش برمیگزیند. نتیجه این انتخاب جسورانه، دو فیلم بلند «یک اتفاق ساده» و طبیعت بی جان» است که امروزه از آن‌ها به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین سرچشمه‌های شکل‌گیری سینمای نوین ایران یاد می‌کنند. این فیلمساز پیشرو کسی نیست جز «سهراب شهید ثالث». اما او چگونه موفق به ساخت این فیلم‌های نامتعارف می‌شود؟ اهمیت و ویژگی فیلم‌های او چیست؟ و چه رابطه‌ای میان آثارش با مسیر پر فرازونشیب زندگی‌اش وجود دارد؟ مستند پرتوه «سفر سهراب» با تمرکز بر این برهه از زندگی سهراب شهید ثالث، تلاشی است برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها.

■ چه انگیزه و دغدغه‌ای باعث شد به این موضوع بپردازید؟

با این که سهراب شهید ثالث سال‌هاست در سینمای ایران غایب است، اما به جرأت می‌شود گفت در تمامی این مدت حضور و تاثیر او بر رنگ‌تر از هر فیلمساز دیگری بوده و اگر از این منظر نگاه کنیم، بدیهی است که پرداختن به یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین فیلمسازان این سرزمین، چندان هم به انگیزه خاصی نیاز ندارد و ضروری به نظر می‌رسد. اما خوب، واقعیت ماجرا این است که در بیشتر مواقع، انگیزه‌های شخصی باعث شکل‌گیری و تولید یک

پروژه می‌شود، نه اهمیت و ضرورت موضوع بنابراین یکی از دلایل پرداختن من به این مستند هم، علاقه و تعلق خاطر من است به سینمای سهراب شهید ثالث بود. از طرفی چون به واسطه پدر من سینما با نسل‌های جوان‌تر در ارتباط بودم، می‌دیدم که بیشتر آن‌ها شناخت درستی از سینمای این فیلمساز ندارند، مهم‌تر می‌خوردم و با خودم می‌گفتم باید کاری در این زمینه انجام بدهم. اما راستش قبل از هر چیز دوست داشتم خودم به شناخت جامع و دقیق‌تری از روند کار و زندگی این سینماگر برسیم و سپس آن را با دیگر علاقه‌مندان و محاطمان به‌اشتراک بگذارم. شاید برای همین هم هست که حلالیلم احسن شخصی بری به خودش گرفته است.

■ چه پژوهش‌هایی در راه ساخت این اثر انجام دادید و چقدر وقت برای مراحل جمع‌آوری اطلاعات صرف کردید؟
 مراحل ابتدایی پژوهش این مستند را مشخصاً از ابتدای سال ۹۲ شروع کردم و یک سال بعد، هم‌زمان با اتمام شدن ساخت فیلم به‌صورت حدی‌تر و با کمک دو همکار دیگر کار را ادامه دادیم که عمده‌ترین بخش پژوهش هم به مطالعه منابع مکتوب، بررسی آثار شهید ثالث و گفت‌وگو با افراد مطلع و صاحب‌نظر اجتماعات دانش است. اما به دلایل متعددی زمانش طولانی‌تر از پیش‌بینی ما شدد. از طرفی در روند تحقیق این مستند هم، مثال همیشه با عدم دسترسی مناسب به منابع تحقیقاتی و اثرشوی به‌نقطه‌نازده رویه‌رو بودیم و البته مهاجرت و سپس فقدان سهراب شهید ثالث هم شرایط کار را پیچیده‌تر می‌کرد. اما شاید در حقیقت مهم‌ترین دلیل طولانی شدن پژوهش ما، کارهای متعدد به‌فرود خود سهراب شهید ثالث و جایگاه ویژه فیلم‌هایش در تاریخ سینمای ایران بود که به من و همکارانم اجازه داد چک‌ترین کوه‌هایی و کم‌کاری را بنویسد.



Meeting Sohrab Shahid Saless

"Sohrab's Journey" is a research about the life of Sohrab Shahid Saless, the famous director of Iranian New Wave. Omid Abdollahi focused on Sohrab Shahid Saless's way of filmmaking. "In 1969, a 26-year-old young man came back to his country Iran after several years educating cinema and wanted to walk in a very different challenging way which was continued until making "Still Life" which is today known as the most important and the main source of Iranian New Wave Cinema. In fact, most of projects are started based on some personal motivations. "Sohrab's Journey" was same too but there were some more reasons. While I taught cinema to the younger generation, I saw that they don't know enough about cinema or this filmmaker and I promised myself to do something special for this issue." Omid Abdollahi

به واسطه
تدریس سلیم
با نسل های
موانع در ارتقا
بودم و می دیدم
که بیشتر آن ها
شناخت درست
از سینمای
سهراب
شهید ثالث
ندارند، مدام با
فردم می گفتیم
باید کاری در این
زمینه انجام
دهیم

تصمیم
گرفتم فیلم
«سفر سهراب»
را با رویکردی
روایی بسازیم
و از گنجلدن
هرگونه
مخاطبه و
گفت و گوی
مستقیم در آن
خودداری کنیم
که به نظرم
چالش مخاطب و
الکترونیک
برایم بود

ضمن این که من معتقدم مستندسازی علاوه بر داشتن تمام خصوصیات حرفه فیلمسازی، یک وجه خیلی مهم دیگر هم دارد و آن مسئولیتی است که بر دوش فیلمساز گذاشته می شود، به این معنی که فیلمساز باید تلاش کند تا سندی درست و صادقانه ای را برای آیندگان به جا بگذارد.

در مسیر ساخت این مستند با چه مشکلات و دشواری هایی روبه رو بودید؟
راستش اگر بخواهم از مشکلات بگویم حرف های زیادی برای گفتن دارم، اما ترجیح می دهم حالا که حدود سه سال از روزهای نخست پژوهش این فیلم می گذرد و در آستانه نخستین نمایش رسمی آن قرار داریم، تمامی تلخی ها و مصایب کار را فراموش کنم، به هر حال در طول این مدت، افراد بسیاری این پروژه را همراهی و به شیوه های مختلفی مسیر ساخته شدن آن را برای من هموار کردند، همچنین کم نبودند کسانی که می توانستند همراهی کنند و نگردند، اما معتقدم مستند «سفر سهراب» نتیجه وجود همه آن هاست، چه آن هایی که گاه با مهربانی های بی دریغ شان مرا شرمگین کردند و چه آن هایی که حتی حاضر نبودند نام سهراب شهید ثالث را به زبان آورند، چرا که معتقد بودند پشت سر مرده نباید حرف زد! بنابراین مایلم از این فرصت استفاده کنم و از همه این عزیزان که هر کدام به نوعی نگذاشتند روند ساخت این فیلم متوقف شود، قدر دانی کنم. خصوصاً از تمامی عوامل تولید فیلم که صمیمانه و صبورانه کنارم بودند.

حالا اگر بخواهید یکی از چالش های اصلی در رابطه با کار را انتخاب کنید، چه چیزی را می گویند؟
از مشکلات که بگذریم دوست دارم به این نکته اشاره کنم که یکی از اصلی ترین چالش های ما فرم ساختاری بود که از ابتدا برای فیلم انتخاب کرده بودیم، به این معنا که تصمیم گرفتم فیلم را با رویکردی روایی بسازیم و از گنجلدن هرگونه مصاحبه و گفت و گوی مستقیم در آن خودداری کنیم که به نظرم چالش جذاب و البته پرخفتری بود. طبیعتاً نتیجه آن را باید در آتش مخاطبان جستجو کرد.

به نظر تان این مستند در جشنواره امسال چه بازخوردهایی خواهد داشت؟
این دغدغه همان سوالی است که من فیلمساز هم مثل شما به دنبال پاسخ هستم! شاید بخشی از لذت و

جایزه شهید آوینی

نام فیلم: بزم رزم
کارگردان: سعید وحید حسینی
در باره فیلم: «بزم رزم» بررسی وضعیت موسیقی در سال های ۵۷ تا ۶۷ است که تحت نام فضای بعد از انقلاب و جنگ تولید شده اند. این مستند پیش از این در هجدهمین جشن خانه سینمای ایران نیز شرکت کرده و در بخش های بهترین پژوهش، کارگردانی، فیلم و تدوین نامزد دریافت جایزه شد.



نوای جنگ

روایت و سعید حسینی از مستندی که مخاطب اصلی آن، افرادی هستند که در دهه ۶۰ نقش کشیدند

به موسیقی و تصنیف های دهه ۶۰ علاقه زیادی داشتم و به همین دلیل خواستم با «بزم رزم» نگاه عمیق تری به موسیقی سال های ۵۷ تا ۶۷ یعنی زمان پس از انقلاب و جنگ داشته باشم. در واقع در این مستند علاوه بر نگاه نوستالژیک به موسیقی آن زمان، نگاه تحلیلی ای هم داریم تا بدانیم هنرمندان مستقل در آن زمان تحت تاثیر انقلاب و بعد از آن جنگ، چه رویه ای را در پیش گرفتند و از نسوی دیگر کارهای سفارشی تولید شده تحت تاثیر ایدئولوژی مسئولان در این زمان چطور بود. به هر حال جنگ، همچنین انقلاب دو پدیده ای هستند که پیامدهای بسیاری در جامعه دارند و این پیامدها در هنر به ویژه موسیقی هم نمود دارد. با این وجود تا امروز هیچ پژوهش خاصی به صورت مستند درباره موسیقی آن زمان صورت نگرفته بود و حتی وقتی به دنبال منابع اطلاعاتی بودم، به جز یک پایان نامه منع دیگری پیدا نکردم، به همین دلیل هم فکر می کنم مستند «بزم رزم» گرچه حرف های زیادی برای گفتن دارد و جدید است، اما درباره این موضوع جامع نیست و هنوز حرف های زیادی در این باره وجود دارد که باید گفته شود. به صورت کلی در این مستند که ۱۲۵ دقیقه است، بیش از ۱۰۰ موسیقی می شنویم که برخی از آن ها را حتی مردم به نام موسیقی جنگ نمی شناسند، همچنین تصاویری نای از دوران انقلاب و جنگ در این مستند می بینیم، که برخی از آن ها برای نخستین بار نمایش داده می شوند. هر چند مخاطب این مستند همه مردم هستند، اما مخاطب اصلی آن را شاید بتوان افرادی و در آن فضای دهه ۶۰ را تجربه کرده و در آن فضای کشیده اند. این مستند علاوه بر نگاه تحلیلی به موسیقی این زمان می تواند به مدیران هنری هم کمک کند تا شاید اشتباه هایی را که در آن زمان صورت گرفته، تکرار نکنند. به هر حال ما هنوز تکلیف مان با موسیقی روشن نیست و به همین دلیل هم این مستند می تواند تجربه ای در این باره به ما بدهد. نکته دیگری که «بزم رزم» را دارای اهمیت می کند استفاده از نظرات چهره های سرشناس و صاحب نام موسیقی کشور است که آن زمان و در شرایطی که اشاره شد برای اصالت موسیقی تلاش کردند.

نام فیلم: ویلیج

کارگردان: حسن قهرمانی

در باره فیلم: «ویلیج» در مورد منطقه و جنگل منحصر به فرد فنقلو در استان اردبیل است این جنگل ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که این منطقه را از دیگر نواحی جنگلی ایران متمایز می‌کند و با وجود قرار گرفتن در محدوده جغرافیایی میان دو استان اردبیل و گیلان این روزها اصلا حلال خوبی ندارد و به سمت نابودی می‌رود.



منطقه مقدس

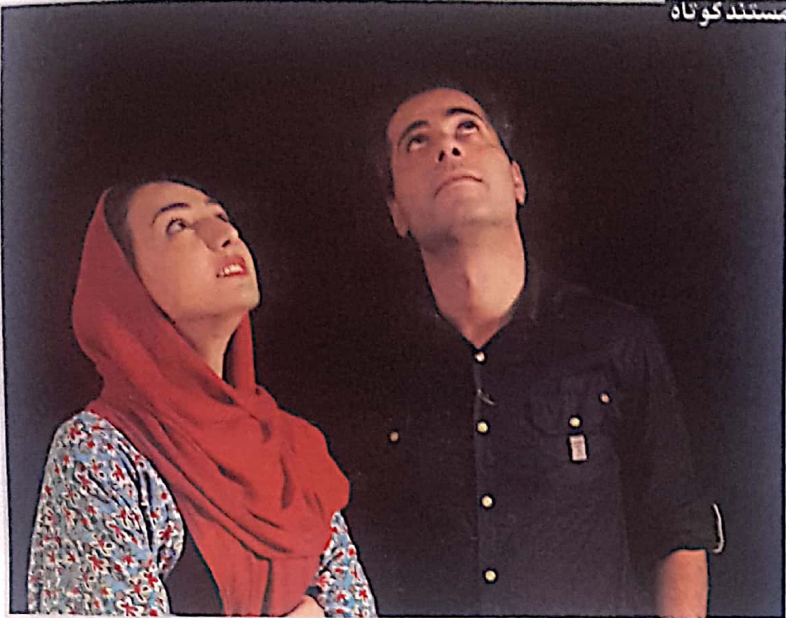
حسن قهرمانی از «ویلیج» که حاصل دغدغه‌های زیست‌محیطی او است، می‌گوید

۱ نسبت به طبیعت و مسایل زیست‌محیطی حساسیت ویژه‌ای دارم و همیشه جزو دغدغه‌هایم بوده است و به دلیل فعالیت‌هایی که در زمینه محیط‌زیست داشتم، همچنین کاری که درباره دریایچه شورابیل انجام داده بودم، وقتی حال روز جنگل فنقلو را می‌دیدم برایم این سوال پیش می‌آمد که چرا کسی برای این جنگل کاری انجام نمی‌دهد. از طرفی پیشنهاد دوستان از مکرگسترش سینمای مستند تجربی هم باعث شد برای ساختن این فیلم ترغیب شوم.

۲ اسم این فیلم را از خود منقلقی که فیلم در آن واقع شده است، برداشتم و ویلیج تشکیل شده از دو بخش «ویل» به معنای مقدس و «جج» به معنای شهر یا کوهستان که از زبان اوستایی گرفته شده. بنابراین فاصله بین نم‌ن تا کوه‌های خلخال به این نام شناخته می‌شود. «ویلیج» در مورد منطقه و جنگل منحصر به فرد فنقلو در استان اردبیل است. این جنگل ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که این منطقه را از دیگر نواحی جنگلی ایران متمایز می‌کند و با وجود قرار گرفتن در محدوده جغرافیایی میان دو استان اردبیل و گیلان، این روزها اصلا حال خوبی ندارد و به سمت نابودی می‌رود.

۳ گذشته، حال و آینده این جنگل در فیلم تصویر شده. اما نه به آن صورت که بخواهیم از تصاویر ارزشمندی در فیلم استفاده کنیم، بلکه با استفاده از گفتار متن همچنین مستنداتی که درباره این جنگل وجود داشت، مثل روستایی که پیش از این در وسط جنگل بوده و حالا جنگل از آن دور شده با به قول خود محلی‌ها فخر کرده، گذشته را نشان می‌دهیم. درباره حال آن صحبت می‌کنیم و می‌گوییم که اگر به همین روزه ادامه پیدا کند، آینده‌اش به سمت نابودی می‌رود. فاجعه‌های خوب، فاجعه‌های زغال، ویلاهای بدون مجوز و... مسائلی بودند که نزدیک شدن به آن‌ها و تهیه فیلم از این منطقه را تبدیل به یک فرآیند بسیار چالشی کرده بود. در خیلی جاها کسانی که در زمینه ولاساری فعالیت می‌کردند ما را با ارباب‌فردی تهدید می‌کردند.

مستند کوتاه



جذابیت پنهان سفر به مریخ

مرجان ریاحی در مستند «بی بازگشت» نگاه جامعه ایرانی به دو جوان داوطلب برای رفتن به سفری بدون بازگشت به مریخ را بررسی کرده است

سوسن سیرجانی
soosansirjani@yahoo.com

چند وقت پیش ماجرای داوطلب شدن دو جوان ایرانی برای رفتن به مریخ در صدر خبرهای خبرگزاری‌ها قرار گرفت. هیچ‌کس تا به حال سراغ این افراد نرفته تا از آمادها و هدف‌هایشان بپرسد. با مرجان ریاحی گفت‌وگو کردیم و او از هشت ماه تلاشش برای راضی کردن این دو داوطلب و چاره‌هایی که ساخت این فیلم برای او داشت، می‌گوید. ریاحی تا به حال علاوه بر ساخت فیلم‌های مستند، داوری چندین جشنواره خارجی را هم بر عهده داشته است.

شوند. اگر یکی از این دوستان در لیست ۲۴ نفر نهایی یا لیست ذخیره انتخاب شوند، حتماً تمام تلاش‌ها را می‌کنم در ۱۰ سال آینده همراهی‌اش کنم. چرا برای ساخت این سوژه با وجود این مشکلات اصرار داشتید؟ من به جمله‌ای که این روزها حتی به زبان آوردنش باعث می‌شود دیگران فکر کنند آدم منطقی و جدی نیستی. ایمان دارم «رویاهایت را دنبال کن!» تمام زندگی‌ام به دنبال رویاهایم رفته و هنوز هم دست از این روش زندگی برنداشتم. این دو نفر داشتند رویاهاشان را دنبال می‌کردند، راهی که زیستن من براساس شکل گرفته و برایم خیلی مهم بود

سوژه‌ای که انتخاب کردید، جذاب است و تا به حال کسی به آن نپسندیده. از انتخاب این سوژه برای ما بگویید. در خبرها دیدم یک شرکت هلندی به اسم «مارس وان» فراخوان داده کسانی که مایل به سفری بی‌بازگشت به مریخ هستند می‌توانند برای شرکت در این سفر ثبت‌نام کنند. چون خودم پایه و اساس زندگی‌ام روی جهانگردی و ماجراجویی است، خیلی موضوع به نظرم جذاب آمد که آدم‌هایی حاضر شده‌اند چنین ریسک بزرگی را انجام بدهند و داوطلب سفر یک‌سویه‌ای به سیاره مریخ شوند. از طرفی همیشه آدم‌هایی که دنبال رویاهاشان می‌روند برایم جذاب هستند، بنابراین این سوژه را برای ساخت مستند انتخاب کردم.

ساخت این مستند چگونه شکل گرفت و بخش سخت ماجرا کجا بود؟ سخت‌ترین بخش ماجرا راضی کردن دو ایرانی منتخبی بود که مقیم ایران بودند. آن‌ها برای ساخت این مستند مردد بودند و هر کدام دلایل خاص خودشان را داشتند. تقریباً هشت ماه طول کشید تا تصمیم قطعی برای جلوی دوربین آمدن را بگیرند. واقعیت این است مسیری را که یک سفینه از کره زمین تا مریخ باید طی کند، چیزی حدود هفت ماه است و من هشت ماه منتظر تصمیم‌گیری و جواب مثبت این دو نفر بودم.

فقط نگرش جامعه به داوطلبان مدنظر فیلم است یا زندگی و گذشته آن‌ها را هم می‌بینیم؟ فیلم بیشتر روی نگرش جامعه ایرانی تمرکز دارد و فقط در حد اشاراتی کوتاه که کاراکترها تمایلی به گفتش داشتند، وارد زندگی شخصی‌شان می‌شویم. از شروط یکی از کاراکترها دقیقا همین وارد شدن به حریم خصوصی‌اش بود. فکر می‌کنید بتوانید فیلمی در ادامه این مستند بسازید و تا لحظه رفتن کاراکترها به مریخ را به تصویر بکشید؟

شرکت مارس وان یک لیست ۱۰۰ نفره اعلام کرده که دو نفر از این ۱۰۰ نفر مقیم ایران هستند سوال آینده یک لیست ۲۴ نفره اعلام می‌شود که آن ۲۴ نفر، ۱۰ سال باید در محیط‌های شبیه‌سازی شده به مریخ آموزش ببینند تا برای رفتن آماده

Hidden Attraction of Traveling to Mars

Marjan Riahi in "No Return" documentary tells the story of two Iranian volunteers who want to travel to Mars and the way the society look at them. Some months ago, the subject of traveling two Iranian youth to Mars was the headline of all news agencies. Nobody could ask them to talk about their hopes and desires. Marjan Riahi spent eight months to satisfy them to make a documentary about their goal. "While tourism and adventure is inseparable parts of my life, as soon as I saw the news that a Dutch company called for those who want to experience no-return trip to Mars, I started to continue it in Iran. I always respect to those who has dream and follow it. Among 100-person list, there are two Iranian volunteers.



حال خوش در پیاده روی شلوغ شهر

«والسی برای تهران» قرار است به ما نشان دهد در شهری که زندگی می‌کنیم، همیشه همه چیز ترافیک و شلوغی و والدگی نیست. روایت زینب تبریزی را از این مستند بخوانید

عرفان جلالی

jalali.se@gmail.com

Good Feeling in Walking Around Busy City

A "Waltz for Tehran" supposed to show us that there something more than chaos, traffic jams and air pollution in the city we live in. Zaynab Tabrizi, is a documentarist who thinks of her city and she shows us her concerns with different angles she chooses to show. Once she made a film about Parkour in Tehran and now she turned her camera lenses to Street Music in Tehran to remind us some other things rather than bustle, and traffic jams in here. "A Waltz for Tehran" shows attempts of several youth who play music through platforms, stairs and walls while we passing by them from sidewalks.

درباره فیلم

نام فیلم: والسی برای تهران
کارگردان و تهیه کننده: زینب تبریزی
زمان: ۵۴ دقیقه
درباره فیلم: مهرداد مهدی از نخستین نوازندگان موسیقی خیابانی در ایران قصد دارد برای برگزاری فستیوال موسیقی خیابانی در تهران، گروه خود را که سال‌ها با آن‌ها نوازندگی کرده است، دوباره کنار هم جمع کند، اما با اتفاقات و موانع متعددی روبه‌رو می‌شود.

اعتقاد تبریزی ممکن است با دیدن این مستند متوجه شوند که اجرای هنرمندانه موسیقی خیابانی که فلسفه و شناخت پشتش هست، با موسیقی‌ای که بدون شناخت و رویکرد حرفه‌ای فقط با صدای ضبط شده با هدف تکیه‌گری نواخته می‌شود، تفاوت زیادی دارد: «البته من فکر می‌کنم نسبت به چند سال پیش این تغییر در حال رخ دادن است و نگاه مردم خیلی بهتر شده. فیلم‌های مختلفی از اجراهای موسیقی خیابانی در شبکه‌های مجازی بخش می‌شود که سطح آگاهی مردم را در این باره افزایش داده است و همین است که می‌بینم مردم بر خورد درست‌تری با این گروه‌ها دارند و بسیاری از مواقع هم برای شنیدن کارهایشان درنگ می‌کنند.» تبریزی ادامه می‌دهد: «زمانی که من مستند «سلاطین خیابان‌ها» را با همراهی پالیز خوشدل کار می‌کردم، نگاه به ورزش پارکور، نگاه بسیار بدی بود و همه تصور می‌کردند این ورزش قرار است ابزاری برای خلافکاری با دزدی باشد، در حالی که با نمایش مستند، جایزه گرفتن و دیده شدن، آن فیلم دست‌به‌دست چرخید و بسیاری از نگاه‌ها را تغییر داد تا جایی که یک سال بعد از آن ماجرا، فدراسیون پارکور را پذیرفت و دیگر این ورزش به صورت رسمی آموزش داده می‌شود. باین تجربه امیدوارم «والسی برای تهران» هم چنین تاثیری بگذارد و مستند بین مدیران فرهنگی، همچنین مردم دیده شود و همه بدانند که موزیسین خیابانی، فردی است که تفکر دارد، ساز را می‌شناسد و از آن برای گدایی استفاده نمی‌کند و برایش مهم است که موسیقی خوب کار کند و آن را به مردم بپوشاند. مردم و مدیران فرهنگی ما باید بدانند موزیسین‌های خیابانی خلاف شروع نمی‌کنند، متکدی هم نیستند و قصداً این است که هنرشان را بدون واسطه در اختیار مردم بگذارند و گاهی دل‌شان می‌خواهد مردم بدون هیچ کمک مالی فقط بایستند و به موسیقی‌ای که می‌نوازند، گوش دهند.»

زینب تبریزی، مستندسازی است که دغدغه شهر محل زندگی‌اش را دارد و این دغدغه را با رفتن به دنیایی نشان می‌دهد که شاید کمتر توجه‌مان را جلب کرده باشد. برای همین هم یک بار سراغ «پارکور» رفت و مستند «سلاطین خیابان‌ها» را ساخت و حالا موسیقی خیابانی را سوژه دوربین‌اش کرده است تا یادمان بیاورد در شهری که زندگی می‌کنیم، همیشه همه چیز ترافیک، شلوغی، رفت و آمد، استرس و آلودگی نیست؛ گاهی شهر جست و خیز چند جوان از روی سکوها و راه‌پله‌ها و دیوارهاست و صدای موسیقی‌ای که از گوشه بیاید و به گوش می‌رسد تا برای چند ثانیه هم که ششده، صدای دیگری غیر از ماشین و بوق‌های ممتد بشنویم. مستند «والسی برای تهران» به مدت زمان ۵۴ دقیقه با نویسندگی و کارگردانی زینب تبریزی، تصویری از پالیز خوشدل و زینب تبریزی، تدوینگری مهدی باقری و صداگذاری اشکان فرامرزی در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تولید شده است.

نقد محیط شهری

برداشتن به موضوعات خاص که به نوعی شهر و محیط جامعه را هم نقد می‌کند، قاعداً تازگی سخت است: «البته در کنار این سختی، این گونه مستندها چیزهای بسیاری هم برای یادگیری دارند. برای مثال در طول دو سالی که درگیر ساخت مستند «والسی برای تهران» بودم، این را یاد گرفتم که شهر مابه‌بازه تهران یک جای اعصاب‌خردکنی و استرس‌آور است که اگر چند دقیقه در یکی از پیاده‌روهای آن بایستید و زفت‌وآمد آدم‌ها را ببینید، متوجه می‌شوید همه با استرس و عجله بسیار به دنبال رفتن هستند و برخی هم طوری بی‌تفاوت از کنارتان عبور می‌کنند که اصلاً گویا در محیط حضور ندارند. حال در چنین محیطی، مهرداد مهدی تئوری خاص خودش را دارد و می‌خواهد فضای شهر را در همان محدوده‌ای که کار می‌کند، عوض کند.» او توضیح می‌دهد: «وقتی شما در گوشه‌ای از شهر صدای موسیقی می‌شنوید، ناخودآگاه حال‌تان بهتر می‌شود و لذت می‌برید. این گروه موسیقی خیابانی هم هدفشان این است که مردم ساز را بسیند، صدای موسیقی را بشنوند و چهره شهر را عوض کنند. در واقع رنگ‌دادن به بخشی از شهر خاکستری با همه تنش‌هایش بخشی از هدف این گروه است تا فضای کوچکی را ایجاد و روحیه مردم را عوض کنند.» این مستندساز البته به سختی‌های گروه موسیقی خیابانی مهرداد مهدی هم اشاره می‌کند و می‌افزاید: «نخستین مشکل آن‌ها این است که بسیاری از مواقع ماموران شهرداری به اسم سد معری نمی‌گذارند به کارشان بپردازند. از سوی دیگر، دغدغه‌های مالی را هم باید به مشکلات این گروه‌ها اضافه کرد که با وجود همه این‌ها به دنبال رسیدن به هدفشان هستند.»

نگاهی که باید تغییر کند

تبریزی البته صحبت‌های شنیدنی‌ای هم درباره تاثیر این مستندها بر نگاه جامعه دارد؛ جامعه‌ای که هنوز بیشتر مردمش موسیقی خیابانی را در دایره تفکری تکیه‌گری توصیف می‌کنند، به

سوژه‌هایی در اقلیت

برخی سوژه‌ها چه در سینمای مستند و چه در سینمای داستانی مهجور هستند که خوانندگان خیابانی هم جزو آن‌ها به شمار می‌روند. زینب تبریزی که «والسی برای تهران» نخستین فعالیت مستقل در زمینه کارگردانی محبوب می‌شود هم این دغدغه را دارد و می‌گوید: «در این فیلم تصویری از نسل جوان کشور دیده می‌شود که شاید از نظر ما در اقلیت قرار داشته باشند، اما با دقت درمی‌یابیم که می‌توان آن‌ها را به همه جوانان ایرانی تعمیم داد و هر کدام از ما شاید یکی از همان‌ها باشیم؛ جوانانی که ناامید نمی‌شوند و تارسیدن به موفقیت، علاقه خود را بی‌گیری می‌کنند.»

در ادامه دغدغه‌های قبلی

تبریزی که دو مستند قبلی‌اش هم موضوع شهری داشته‌اند، در توضیح بیشتر «والسی برای تهران» می‌گوید: «مستند جدیدم به نوعی ادامه دو مستند پیشین من است که هم موضوعی اجتماعی و هم شهری دارد. ابتدا طرح را به مرکز سینمای مستند و تجربی ارائه کردم که آن‌ها هم پذیرفتند، بعد شروع به تحقیقات کردم و در روند آن به صورت اتفاقی به گروهی در فیس‌بوک برخورد کردم که موسیقی‌های خیابانی را می‌گذاشتند و در یک ماه فالوئرهای زیادی پیدا کرده بودند. مورسین‌های خیابانی می‌آمدند و ویدئوهایشان را در این صفحه به اشتراک می‌گذاشتند که تعدادی از این ویدئوها مربوط به مهرداد مهدی بود که پیش از این صدایش را شنیده بودم، اما او را نمی‌شناختم.» این مستندساز ادامه می‌دهد: «ما جستجوی بیشتر، یکی از دوستانم یک موزیسین خیابانی را به من معرفی کرد. این موزیسین در سفر بود و یکی از دوستانش به نام مهرداد مهدی را به من معرفی کرد، یعنی همان موزیسینی که پیش از این کارهایش را دیده بودم. اتفاقاً مهرداد مهدی خودش هم نمای داشت فیلمی درباره کارها و هدفش از اجرای موسیقی خیابانی ساخته بود که با توجه به این علاقه خیلی زود به توافق رسیدیم و در نهایت شروع به ساخت مستند کردم.»

دلستگی آدم‌ها

ویژگی‌های اصلی مستندهای ایرانی

من تا حدود زیادی با مستند ایران آشنایی دارم و فیلمسازان ایرانی و آثارشان برام به هیچ وجه ناشناخته نیستند. به جز شمار قابل توجه آثار ایرانی که به جشنواره‌های مختلف می‌رسند، ما با تعداد زیادی از فیلمسازان ایرانی در ارتباط هستیم و با سازمان‌های بخش و توزیع آثار مستند ایرانی همکاری داریم. در خیلی از مواقع، آثار مستند بسیار دراماتیک و تاثیرگذار از سوی فیلمسازان ایرانی دریافت می‌کنیم، بنابراین می‌توانم ادعا کنم که چندین سال است چنین پیوندی بین ما و مستندسازان ایرانی شکل گرفته و طیف آثار ایرانی بسیار گسترده است. ایرانی‌ها سینمای پربراری دارند و فیلمسازان متعددی با سبک‌های بسیار متفاوتی در این عرصه فعالیت دارند. اگر بخواهم راجع به قالب کلی آثار سینمای ایران اظهار نظر کنم، باید بگویم که سینمای ایران بسیاری از دلستگی‌های بشری را به نمایش می‌گذارد. در واقع این سینما اینه علاقه‌های انسانی است. آن چه من تاکنون دیده‌ام این است که فیلمسازان ایرانی به روایت داستان دلستگی آدم‌ها علاقه دارند، به روایت داستان زندگی آدم‌ها و احساساتشان و به نمایش گذاشتن حس‌هایی که شخصیت‌ها در لحظات مختلف زندگی‌شان تجربه می‌کنند و بیان‌ها درگیر می‌شوند. بنابراین، نکته‌ای که به آن اشاره کردم احتمالاً رایج‌ترین ویژگی و برجسته‌ترین خصوصیت است که در آثار سینمای ایرانی‌ها به چشم می‌خورد. اما فراتر از این ویژگی رایج، آثار زیادی وجود دارد که سازندگان‌شان نگاه‌های بسیار متفاوتی از یکدیگر را به نمایش می‌گذارند و به شیوه‌های کاملاً متفاوتی دست به آفرینش آثار سینمایی می‌زنند، هم به لحاظ سبک فنی و تکنیک‌های شخصی و هم از حیث سوزن‌هایی که برای ساخت آثارشان انتخاب می‌کنند. به نظر می‌رسد در ایران هر کس برای خودش یک یا فیلمساز است. این علاقه به فیلم و فیلمسازی را من در تک‌تک افرادی که تا به حال ملاقات کرده‌ام، می‌بینم. ایران صاحب تاریخی طولانی و سنتی قدیمی در عرصه فیلمسازی است و فکر نمی‌کنم این چیزی باشد که قرار باشد تغییر کند. من آینده را در خشان می‌بینم.

یادداشت



دکتر ریحانه دهگانی
مدیر موسسه میراث باستان‌شناسی آمریکا



آنکته طلایه برای جذب سرمایه گذار

اگر به دنبال جذب سرمایه گذار خارجی برای تامین بودجه فیلم تان هستید، این گزارش را بخوانید

سارا شمیرانی

Sara.shemirani66@gmail.com

موضوع کارگاه | همکاری‌های بین‌المللی برای جذب سرمایه

مهمان | اوه یانسن

پیدا کردن یک تهیه‌کننده خوب و یک حامی مالی برای ساخت آثار هنری، یکی از پایه‌های اصلی فیلمسازی است. برای همین دانستن اصول کلی ارتباط با شرکت‌های سرمایه‌گذاری امروزه نکته مهمی است که فیلمسازان جوان باید با آن آشنایی داشته باشند. در دهمین جشنواره فیلم حقیقت کارگاه «همکاری‌های بین‌المللی برای جذب سرمایه» برگزار شد. کارگاهی که در آن اوه یانسن، مسئول بخش «ای دی ان» نکات کلیدی در مورد جذب سرمایه گذار خارجی را بیان کرد.

خارج از قواعد عمل نکنید

مهم‌ترین چیزی که در به‌دست آوردن بودجه برای ساخت فیلم وجود دارد، نوشتن یک پروپوزال خوب و فرستادن آن برای سرمایه‌گذاران خارجی است. در واقع تهیه‌کنندگان خارجی زمانی به شما توجه می‌کنند که یک نوشته خوب از کارتان به آن‌ها ارائه کنید. در دنیای امروز شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، روزانه با بیهوشی از پروپوزال‌ها روبرو می‌شوند. در واقع کارگردان‌ها تلاش می‌کنند تا کاملاً از آن چه در ذهن دارند، نظر سرمایه‌گذار را جلب کنند. این آرایه البته خارج از چارچوب و قواعد نیست و دانستن ۱۰ نکته کلیدی می‌تواند به هر فیلمسازی کمک کرده تا در جذب سرمایه‌گذار موفق

معرفی فیلم‌های امروزی



یک زندگی طبیعی
Anormallife
کارگردان: ادواردو کونل، گائیل برتون
فرانسه ۲۰۱۵

2 و انسان پسر جوان ۲۱ ساله دچار یک مشکل ژنتیکی است. بیماری‌ای که مربوط به ازدیاد کروموزوم هایش می‌شود. اما با وجود بیماری امروز صاحب کمربند مشکی در کاراته و کارآموز شگفت‌های کامپیوتری است. دوست دارد مثل بقیه مردم کار کند، زندگی مستقلی داشته باشد و عاشق شود. اگر دانش نخواهد می‌تواند معلم کاراته شود. پدرش ادوارد همه تلاش‌ش را می‌کند تا پسرش همان‌طور که آرزو دارد نتواند زندگی مستقلی برای خودش تشکیل بدهد. اما واقعتاً این است که چطور و نسلان با وجود بیماری‌اش می‌تواند روی پای خودش بایستد و از آن طرف ماجرا هم با جامعه افرادی مثل و نسلان را که دچار مشکلات ژنتیکی هستند، خواهد پذیرفت؟



ملوکون
Maluuqun
کارگردان: رینا تاسو، اوسی وی
تابوان ۲۰۱۵

1 بابی، وانگ، آپو و ژانگ چهار سالخورده تابوانی هستند که به تنهایی زندگی می‌کنند. آن‌ها با احترام با هم برخورد می‌کنند، ولی هر کدام از یک نژاد هستند. یکی مهاجر چینی است و سه نفر دیگر هم از سه نژاد اصلی تابوان می‌آیند. در طول ۱۲ ساعت روز زندگی روزمره خودشان را می‌گذرانند و به ندرت همدیگر را می‌بینند، مگر به خاطر حیواناتی که از آن‌ها مراقبت می‌کنند. بقیه ملاقات‌های‌شان هم برای فعالیت‌های اجتماعی، دوستانی که به تابوان سفر کرده‌اند و یک صندوق خیریه محلی است که همه این‌ها نقطه اشتراک این چهار نفر می‌شود. اسم فیلم از لغتی بومی مربوط به یکی از قبیله‌های تابوان آمده و معنایش «لذیذ و خوشمزه» است.

لوین پتر، مستندساز آلمانی از تجربه ساخت مستندش می گوید

آمدن به ایران فرصت خوبی بود تا مستندی را که نزدیک به سه سال برایش وقت گذاشتم، با مردم این کشور شریک شوم. این مستند (آن سوی بوران) برای من ارزش زیادی دارد، چراکه زندگی پدر بزرگم را زمانی که در جنگ جهانی دوم سرباز بود، به تصویر کشیده است. اتفاقات در جنگ، دوران جوانی پدر بزرگ و هر آن چه او طی این سال ها تعریف کرده، خط اصلی داستان «آن سوی بوران» را تشکیل می دهد. موقع ساخت این فیلم من گاهی با خودم به یک کشمکش درونی می رسیدم. گاهی در مقام نوه قرار می گرفتم و گاه یک فیلمساز بودم که دوست داشتم واقعیت ها را نشان دهم. این دوگانگی، کار من را در ساخت این فیلم سخت می کرد و انرژی زیادی از من می برد. یادم هست وقتی فیلم تمام شد، آن را به همراه پدر بزرگم دیدیم. او در تمام مدت فیلم سکوت کرده بود. بعد از این که فیلم تمام شد، به حیاط خانه آمد و به گل خیره شد. وقتی از او خواستم نظرش را درباره آن بگوید، نگاه کرد و گفت خیلی سریع گذشت! درست مثل عمری که به همین سرعت در همه این سال ها گذشته. البته من به عنوان یک فیلمساز متقدم فیلم روایت کنی دارد. در واقع فیلم من یک فیلم با ریتمی آرام است، اما پدر بزرگم چون تمام زندگی خودش را در آن می دید، گمان می کرد همه چیز خیلی سریع اتفاق افتاده است. نکته قابل توجه این بود که پدر بزرگم بعد از نخستین نمایش این فیلم از دنیا رفت. این فیلم برای من ارزش زیادی دارد، به همین دلیل است که دوست دارم مردم ایران هم آن را ببینند.



بسیار مهم است که سرمایه گذار متوجه شود فیلم شما قرار است شخصیت محور یا اولاد محور باشد. هر چقدر دقیق تر و عینی تر برخورد کنید و توضیح دهید، اثر بهتری آرایه می کنید.

یک ویژگی منحصر به فرد پیدا کنید

نکته چهارم را خوب به خاطر بسپارید. شما باید نکات منحصر به فرد در فیلم را توضیح دهید. اگر قرار باشد توضیحات شما هم مثل بقیه باشند، مطمئن باشید که هیچ بلندگویی در سرمایه گذار ایجاد نمی کند. پس هر آن چه را فکر می کنید جزو ویژگی منحصر به فرد فیلمتان هست، بنویسید.

در کلمات به کار برده اغراق نکنید

نکته پنجم مربوط به نوشتن احساسات در پروپوزالتان می شود. در واقع احساسات نقش مهمی در متقاعد کردن سرمایه گذار دارد، البته احساسات به این معنا نیست که برای مخاطب خط فکری تعیین کنید.

از بول حرف بزنید

نکته ششم مربوط به مساله مالی فیلم است. شما حتما باید یک برآورد مالی از کاری که قرار است بسازید آرایه کنید. این برآورد مالی، سرمایه گذار را با ابعاد مختلف فیلم شما آشنا می کند و یک تصویر درست درباره آینده مالی فیلمتان نشان می دهد.

عکس ها به کمک شما می آیند

نکته هفتم در واقع تکمیل کننده نکته قبلی است. وقتی درباره بول می نویسید سعی کنید از تصاویر زیاد استفاده کنید عکس و گرافیک به شما کمک می کند سرمایه گذار را تحت تاثیر قرار دهید. به هر حال باید بپذیرید که سینما زبان تصویر است و وقتی قرار است شما در این حوزه فعالیت کنید، باید به کمک اهالی سینما رفتار کنید. اگر این نکته را رعایت کنید، من به شما قول خواهم داد احتمال پذیرش فیلمتان بیشتر شود.

داستان فیلم مهم است

نکته هشتم، محتوای فیلمتان را بنویسید. کمی از داستان بگویید و سعی کنید در داستان کمی حس تعلیق ایجاد کنید.

اطلاعات تماس فراموش نشود

نکته نهم مربوط به نکات فنی فیلم می شود. شما باید فرمت فیلم خود، مدت زمان فیلم و حتما زمان تحویل پروژه را بیان کنید. خیلی از سرمایه گذارها ممکن است برای جشنواره خاصی روی فیلم شما حساب کنند، پس باید زمان تحویل پروژه را بدانند و با این آگاهی درباره فیلم شما نظر دهند.

دوستانتان را در پروپوزال شریک کنید

و نکته یازدهم این است که شاید کمی خنده دار به نظر برسد و اهمیت فوق العاده و مزایای دارد. درباره بلندگویشان آن چیزی است که نوشته اید. در واقع بعد از این که تمام این نکات را رعایت کردید و یک آرایه خوب نوشتید، آن را بلندگویشان برای خودتان، بعد برای دوستانتان بخوانید!

10 Golden Points of Absorbing Funders

If you are looking for international investors for providing the budget of your film, you must read the report. Ooh Janson in the workshop titled "International Co Operations for Absorbing Funds" talked about this issue and answered to the questions of the audience. Finding a good producer and a financial supporter for making artistic works is one of the main principles of filmmaking. For reaching this issue, having communication with some fund companies is an important task that young filmmakers must be familiar with it. In 10th Iran International Documentary Film Festival, Cinema Verite a workshop titled "International Co operations for Absorbing Fund" was held and some keywords of this issue was told by him; some headlines like "Sharing your friends in writing a proposal", "Story and Images of the film", or "Remembering to mention your contact information".

عمل کنند. من این ۱۰ نکته را به شما خواهم گفت.

۱. در نوشتن زیاد دروی ننگند

نخستین نکته در مورد نوشتن، یک آرایه خوب، خلاصه نویسی است. در واقع شما باید بدانید که چون چه در ذهن دارید را در دو صفحه بیان کنید و هدر دست نکات را در عهده بگذارید. پس خیلی صریح، هدفدار، را توضیح دهید و ابعاد معجزه نداشته باشید. چون واقعیت این است که در دو صفحه معجزه های رخ نمی دهد، بلکه تنها ممکن است حرف های در ذهن سرمایه گذار ایجاد کند.

۲. فیلمتان را خوب بشناسید

دومین نکته این است که شما درباره فیلم بنویسید، نه موضوع کاری که می خواهید انجام دهید. در واقع فیلم را برای سرمایه گذار توضیح دهید و برایش بنویسید که قرار است چه اتفاق هایی در فیلم شما بیفتد، چه چیزهایی معجز کند و چه حرفی در فیلم گفته شود. یکی از مشکلات اساسی همیشه این است که در صفحه اول معمولاً توضیحاتی در سراسر فیلم داده نمی شود و چالش های فیلم پنهان می ماند. در صورتی که در فیلم مستند، چالش ها اهمیت و مزایای دارند.

۳. عوامل کلیدی چه چیزهایی هستند؟

نکته سوم مربوط به مشخص کردن عناصر و عوامل کلیدی در فیلم می شود. شخصیت های اصلی، محوریت کار شماست. پس

Introduction to Films



کلاترهای اوکراینی
Ukrainian sheriffs
کارگردان: یوومن بوندار چوک
آلمان، لیتوانی، اوکراین ۲۰۱۵

۴ دو مرد محلی مربوط به یکی از دهکده های اوکراین، یکی نشان قوی تر است و آن یکی باهوش تر. آن ها نقش کلاتر را در آن دهکده کوچک دارند. شخصیت های شان به گونه ای است که انگار همین الان از دل یکس از فیلم های برابن کونن بیرون آمده اند. یک فیلم با مزه و به غایت روشنگر که درباره دیدهای کوچکی که درگیر تناقضات بزرگ و مهمی است. در حقیقت اگر به این سمت دست یافته اند دلیلش فقط این بوده که نزدیک ترین ایستگاه پلیس تا این دهکده فاصله زیادی داشته و فرماندار تصمیم گرفته کلاترهای محلی خودشان را داشته باشند. آن ها را در طول ماجراهای شان نشان می کنیم از راضی کردن همسایه عصبانی بشیرید تا کشف یک حسد



شاید صحرا، یا که دنیا
Maybe desert, perhaps universe
کارگردان: میگوئل سیبیرالوبز، کارن آکومن
پرتغال ۲۰۱۵

۳ داستان در یک بیمارستان روایی می خورد که افراد متوجه به جرائم گوناگون که به خاطر وضعیت روانی شان، به زمان محکوم نشده اند. به آن جا منتقل می شوند. سطح امنیت و محافظت در این بیمارستان به خوبی بالا و به کمال آرازد شده. دعوتی که در این بیمارستان آرایه می شود شامل روزی بر شش، روز شناسی، نجومی، مار، معالجه و در حال و گشته مرگ های عمومی است. ۳۲ مرد در این بیمارستان زندگی می کنند که توسط دادگاه محازات شان تخفیف پیدا کرده و به جای زندان به آن جا منتقل شده اند. آن ها گذر رها را در این محکم احساس می کنند. فیلم برای ارتباط حسی قوی تر میباید و سفید فیلمبرداری شده است.

برکات یک حضور

یکی از فعال ترین غر فدهای طبقه ششم پردیس چارسو در روزهای برگزاری جشنواره متعلق به سینماگران کرمانی است

در راسته غر فده بندی شده طبقه ششم پردیس چارسو غر فدهای به نام «مستندسازان کرمان» در نظر گرفته شده که هر وقت روز گذار تان به آن جا بفتند، این مستندسازان بر شور را در حال گپ و گفت می بینید. عسر پنجمین روز جشنواره وقتی سراغ غر فده رفتیم، دو مستندساز گرم گفت و گو بودند و بهانه ای شد تا از حال شان از حضور ویژه در این رویداد بپرسیم.



نشر بهروزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران
آرشیو: واحد عمومی مرکز گسترش سینمایی مستند تجربی

مدیر مسئول: محمد مهدی لمباغلیبی نژاد
سر دبیر: آرشیو خوشخو
دبیر تحریریه: وحید سعیدی

سینمای ایران: احمد نجبر
بخش انگلیسی: سمیه فانی زاده
بخش بین الملل:
سوفیا نسر الهی و سارا شمیرانی
بخش خبری: محمد صابری
عکس: مریم سعید پور

تحریریه:
للا علیپور
سمیه علیپور
سوسن سیرجانی
عزرا فانی جلالی
زهرا عباسی
محمد رضا کاظمی
با تشکر از همراهی:
مرجان فاطمی

کرالیک وفی

مدیر هنری: علیرضا ابراهیمی
مفحه آزایی: فرشاد بدران افشان
اجرای و هماهنگی: مریم رضوانی
ویرایش عکس: محمد بذر افشان
ویرایش و تصحیح: نحمه درز لو

باسپاس فراوان از:
هوشنگ مرادی کرمانی

با تشکر از همراهی:
حامد خورشیدی، محمود سادقلوی گیوی
و علی اصغر لسنی

است سوزهای در تریط با محل زندگی خود انتخاب کنیم. «عسگری دیگر مستندساز کرمانی که مستند «بازی کودکان» را در جشنواره امسال روی برده داشت و خود یکی از اعضای هیأت انتخاب فیلم های بخش ویژه استان کرمان بوده، اما گزینه بهتری برای پاسخ به این سوال درباره ترکیب سوزهای فیلم های این بخش بود. او می گوید: «نعمدی در این قضیه نموده، بیشتر بار انتخاب آثار بر عهده خود فیلمسازان بوده است» عسگری اما معتقد است فارغ از سوز فیلم ها نفس اختصاص بخشی به مستندسازان کرمانی یک اتفاق مبارک در جشنواره دهم است. وی در این باره گفت: «سینما حقیقت در حال حاضر تکی از مهم ترین رویدادهای بین المللی در حوزه سینمای مستند در جهان است و نفس حضور ویژه مستندسازان کرمانی در این جشنواره قطعاً اتفاق های مبارکی را برای مستندسازان استان به دنبال خواهد داشت. این مستندساز هم نظری مشابه بوستانی درباره استقبال مردمی از اکران فیلم های کرمان در جشنواره دارد و می گوید: «از ابتدا هم به دنبال تماشاگر در این بخش نبودیم و مهم حضور ویژه در جشنواره بود که مسئولان برگزاری ثابت کردند در آن جدیت دارند و این گونه نبوده که ناگهانی و بدون برنامه ریزی چنین تصمیمی گرفته باشند. این حضور حتماً برکات بسیاری برای مستندسازی کرمان دارد.»

مهدی بوستانی، مستندساز کرمانی ساکن تهران که در جشنواره امسال با مستند «گلاب بروتون» حاضر است، درباره تجربه اختصاص بخشی ویژه در جشنواره «سینما حقیقت» به مستندسازان کرمانی به خبرنگار نشریه روزانه جشنواره می گوید: «از نخستین دوره جشنواره سینما حقیقت همواره در آن حضور داشته ام، چه به عنوان مخاطب و چه فیلمساز و هیأت انتخاب برای همین و با توجه به سابقه ای که داشتم، از ابتدا انتظار نداشتم که اختصاص بخشی به سینمای مستند کرمان از نظر استقبال مخاطبان تبدیل به یک اتفاق شود، بلکه این رویداد بیشتر برای مستندسازان کرمانی یک اتفاق بود که توانستند جدی تر در جریان برگزاری این رویداد قرار بگیرند، به خصوص که برنامه اکران ویژه مستندهای برگزیده در کرمان هم در نظر گرفته شده و این برنامه فرستی ویژه برای مستندبوستان کرمانی است و امیدوارم از آن استقبال شود.» بوستانی که خود مستندی درباره تک عضو در پانتهخت ساخته درباره دلیل کم رنگ بودن سوزهای بومی در میان مستندهای ارائه شده در این بخش از جشنواره معتقد است: «شاید خود فیلمسازان علاقه داشتند بیشتر کارهای غریب بومی خود را به جشنواره ارائه دهند، چرا که فراخوان اولیه از سال سه مستند به انتخاب خود فیلمسازان بود به ششمه اما از آن جا که در تهران زندگی می کنم، طبعی

کاشانه

پرونده ویژه
تولید پرونده کارستانان

تجربه های دلنشین

مجموعه کارستان چگونه
شکل گرفت و قرار است چه
سرنوشتی پیدا کند؟



فیروزه صابر

پژوهشگر پرونده کارستانان

سال ها فعالیت در موسسه «توسعه کار آفرینان زنان و جوانان» این امکان را برای ما فراهم کرد تا روی مساله ترویج و توسعه کار آفرینی به صورت درست و دقیق تحقیق کنیم. وقتی رخشان بنی اعتماد پیشنهاد همکاری با موسسه را مطرح کرد، بهترین فرصت برای ما پیش آمد تا بتوانیم آن چه را که طی سالیان طولانی اندوخته بودیم، با یک گروه حرفه ای به اشتراک بگذاریم. هدفمان هم از اول این بود که بتوانیم روی مطالب تاثیر گذار باشیم، مطالبی که جوان بودند و مساله شغل و کسب و کاری از مهم ترین دغدغه های زندگی شان بود. بعد از مذاکرات با گروه ایده پرداز قرار بر این شد که موسسه، کار پژوهش را

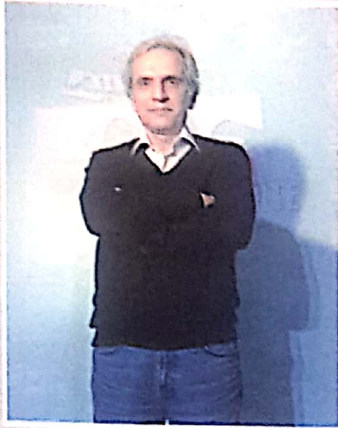
انجام دهد و طراحان ساخت کارها را بر عهده بگیرند. در نهایت با ایجاد یک شورای راهبردی که متشکل از اعضای موسسه و گروه ایده پرداز بود، سوزدها را بر اساس شاخص هایی که در نظر داشتیم، انتخاب کردیم. درباره انتخاب های مان هم چند ملاک مهم مدنظر بود. نخست باید سوزدها بدون هیچ حمایت دولتی و وابستگی به ارگان های بزرگ، کسب و کار شان را راه انداخته باشند. خلاقیت، جنسیت، صنعت و اقلیم نیز از دیگر مشخصه هایی بود که باعث می شد یک سوزدها را انتخاب کنیم. شاخص ها اهمیت ویژه ای داشتند، چرا که قرار بود این سوزدها به عنوان مدل و الگو در جامعه ترویج شوند. ما بر اساس سال ها تجربه و آشنایی با افراد مختلف در حوزه کار آفرینی تا حدودی با سوزدها آشنایی داشتیم، اما انتخاب کردن ۶ مورد برای فاز اول، آن هم با توجه به فراوانی زیادی که این حوزه داشت، کار را برای ما سخت می کرد.

تیم پژوهش با نظر کارشناس ها و با تحقیق کیفی، مشاهده سوزدها را تحویل دوستان سازنده می دادند. بعد هم جلساتی با کارگردان داشتیم تا فیلمنامه نوشته شود. ساخت هر مستند نیز با نظارت گروه سازنده مرحله به مرحله پیش می رفت. در پایان آن چه بعد از مدت ها زحمت و تلاش دیدیم، برای همه ما دلچسب بود. دلچسب از این جهت که پروژه با حساسیت و وسواس خوبی پیش رفت. از طرفی کار گروهی آن هم برای ساخت یک مجموعه مستند، کار تازه ای بود که خیلی خوب به نتیجه رسید. تا پیش از این درباره موضوع کار آفرینی اگر هم مستندی ساخته می شد، بیشتر حالت گزارش داشت و تا به امروز چنین کار پژوهشی جدی ای در این زمینه نشده بود.

کپ

ویژگی های مستند کارستان

روایت محسن عبدالوهاب از مستندی که برای مجوعه کارستان ساخت



سال هاست که با رخشان بنی اعتماد کار می‌کنم و معتقدم آنچه در تمام این سال‌ها باعث شده تا این ارتباط حفظ شود، دغدغه‌های مشترکی بوده که هر دو ما آن را خوب می‌فهمیم. در مجموعه کارستان و ساخت مستندهایی با موضوع کارآفرینی هم این دغدغه مشترک وجود داشت. من از سال‌ها قبل با موسسه محک آشنایی داشتم و وقتی قرار شد مستندی از مجموعه کارستان به من سپرده شود، دوستان، مستند «سعیده قنس و محک» را پیشنهاد کردند و من هم پذیرفتم. البته در مجموعه کارستان من یک مستند دیگر هم ساختم. مستندی که قرار بود محمدرضا مقدسیان آن را بسازد، اما در مراحل پژوهش و تحقیق نیمه کاره ماند و مرگ فرصتی نداد تا محمدرضا در این مجموعه حضور داشته باشد. در واقع کاری که محمدرضا مقدسیان قرار بود انجام دهد، به من سپرده شد تا مستند «طبرستانی‌ها» نیز به سرانجام برسد. مهم‌ترین ویژگی مستندهایی که در مجموعه کارستان ساخته شده، اصل موضوع و سوره‌هایی بود که برای بیدار کردن آن زحمت زیادی کشیده شد. سوره‌هایی با محوریت کارآفرینی که با تحقیق و پژوهش‌های فراوان به مرحله انتخاب رسیده بود. از همین منظر، نوع نگاه اکثر کارگردان‌هایی که در این مجموعه کار کردند، روی شخصیت کاری افراد بود. مجموعه مستندهای کارستان قرار است ادامه داشته باشد. فارغ از این که من به عنوان کارگردان در دیگر مستندهای این مجموعه حضور داشته باشم یا نه، امیدوارم هر اثر با هر نوع نگاه و کارگردانی بتواند تاثیر مهمی در جامعه و افراد بگذارد.



ی زنانه

گوید و معتقد است که هر کارگردانی می‌تواند برای چنین مستندهایی وسوسه شود

کار شبیه یک ورکشاپ بود که می‌توانستی هر لحظه از آن بهره‌گیری. البته حضور خانم بنی اعتماد به این معنا نبود که ما آزادی عمل نداشته باشیم. اتفاقاً دست ما برای ساخت مستند باز بود و نگاه ویژه خودمان را به کار داشتیم.

■ از چه زاویه‌ای این مستند را ساختید؟
من سعی کردم نگاه متعادلی به موضوع داشته باشم. در واقع تلاشی کردم نگاه متعادلی به موضوع داشته باشم.

■ شما در مستندهای قبلی تان هم به موضوع زنان پرداخته بودید. چرا مسایل مربوط به زنان برای شما اهمیت ویژه‌ای دارد؟

مهم‌ترین دلیل این است که من خودم هم زن هستم و خیلی خوب مشکلات و دغدغه‌های زنانه را متوجه می‌شوم. در واقع اشراف به این موضوع خوب است. از طرفی دوست دارم در دنیای زنان دیگر ورود کنم. در آینده هم احتمالاً یک مستند دیگر را شروع می‌کنم که آن هم موضوعی زنانه دارد و امیدوارم کار خوبی شود.

■ در کار شما تدوین به عهده شیرین برق‌نورد است. کسی که یکی از مستندهای کارستان به اسم «شاعران زندگی» را کارگردانی کرده است.

شما هم در مستندی که او کارگردانی کرده، نقشی داشتید؟
شیرین برق‌نورد در تدوین حرف‌های و بسیار فهم هستند و در کار هم با ما همراه بودند. البته این همکاری فقط از طرف ایشان در مستند اتفاق افتاد و من در مستند شیرین برق‌نورد نقشی نداشتم. در واقع از گروه فیلمبرداری گرفته تا عکاسی صحنه از قبل توسط خانم بنی اعتماد و آقای میرطهماسب جده شده بود. البته ما می‌توانستیم بگوییم که تیم خودمان را داریم، اما همه چیز آن قدر حرف‌های و درست بود که نیازی به تغییر نداشتم.

بیم‌هایی مثل عبور از غبار، عشق ری را کنار گذاشت. دنیای مستند مستندهایی با محوریت زنان که مسال در مجموعه مستندهای کرده است.

وزه‌های شان را انتخاب می‌کنند، اما در درباره سوره‌ای که جزو دغدغه‌های تان

فته شده بود و براساس ملاک‌هایی که وجود سه سوره‌ها خیلی جذاب بودند، هیچ مشکلی تم و این که همیشه در حوزه زنان کار کرده

نداشت؟
شیرزادی در زمینه محیط‌زیست و در ارتباط انسان‌های زیاده‌ساز در نهایت با این همه زیاده دوست داشتیم آن را بسازم.

که در ساخت مستندهای مختلف دارد،
اوره‌های خوبی ارائه می‌دادند و از نظر من این

- براساس
- ملاک‌هایی که
- وجود داشت.
- دو گزینه به
- کارگردان‌ها
- پیشنهاد می‌شد.
- اما از آن‌هایی
- که همه سوره‌ها
- فیلمی جذاب
- بودند، هیچ
- مشکلی برای
- کارگردان وجود
- نداشت

چهره‌های تازه از کارآفرینان حوزه فولاد



طبرستانی‌ها فیلم ناتمامی بود که محمدرضا مقدسیان نتوانست آن را به سرانجام برساند. محسن عبدالوهاب آخرین مستند او را که در مراحل پژوهش متوقف مانده بود، به سرانجام رساند و فیلمی در خصوص جمعی از دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف ساخت. کسانی که در سال‌های ابتدایی انقلاب گردهم آمدند و فعالیت صنعتی خودشان را با نام گروه طبرستانی‌ها آغاز کردند این گروه در حوزه فولاد فعالیت می‌کند و اعضای آن پس از گذشت سال‌ها همچنان دوست و شریک یکدیگرند. مجموعه کارستان در یکی از مستندهای خود به شرکت فولاد طبرستان پرداخته و سعی کرده چهره‌های تازه‌ای از کارآفرینی در این حوزه را نشان دهد.

مستندی درباره کشاورزی نوین



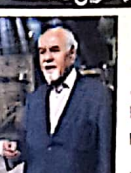
زندگی، روحیه و فعالیت‌های شیرین پارسی، شالیکار، فعال محیط‌زیست و فعال اجتماعی در حوزه زنان باعث شد شیرین برق‌نورد در روایتی شاعرانه به مستند او بپردازد. شیرین پارسی فارغ‌التحصیل ادبیات از کشور فرانسه و منتخب برگزیده کارآفرینی در جشنواره کارآفرینی گیلان در سال ۱۳۸۳ بوده است. زمین‌های بدون حاصل به ارث مانده خانوادگی او نخستین جرعه‌ای بود که باعث شد او به فکر کسب و کار تازه‌ای بیفتد. در نهایت شیرین پارسی و همسرش توانستند در شیوه کشت مکانیزه، الگوی مناسبی را به کشاورزان منطقه ارائه دهند. در این فیلم نویسندگی، کارگردانی و تدوین کار به عهده شیرین برق‌نورد است.

زبان‌های دوست‌داشتنی



چه سوره‌های جالب‌تر از زندگی کسی که طرح بازیافت پسماند کشور را در شهر کرمانشاه با دفع کامل زبان‌های شهری اجرا کرده است؟ مجتبی میرطهماسب و رخشان بنی‌اعتماد براساس همین موضوع جذاب، زندگی هاید شیرزادی را انتخاب کردند و آن را به میناز افضلی سپردند تا مستند «مادر زمین» ساخته شود. شیرزادی که در گذشته، محرومیت‌ها و محدودیت‌های زادگاهش (گیلانغرب) را از تحصیل بازداشته بود، امروز تبدیل به کارآفرینی شده که برای نخستین بار در کشور سایت بازیافت نخاله‌های ساختمانی را راه‌اندازی کرده و توانسته از تخریب زمین جلوگیری کند. این مستند به نویسندگی و کارگردانی میناز افضلی ساخته شده است.

آفرین ۸۵ ساله



تیرسان زندگی پرتلاطم مستقل و شخصی خود آفرین ۸۵ ساله در سال ۱۹۰۱ به ایران که ایران به زد، تالیس کرد و سپس شرکت «شوفاز کار ایران» تزدانی این مستند را بهرام کتونی بیش از ۱۰ مستند



An Opportunity for Sharing Experiences

Being active in "Entrepreneurship Development of Women and Youth" institute for many years provided us the possibility to research accurately about developing and promoting entrepreneurship. When Rakhshan Bani Etemad suggested having cooperation with the institute, it was the best opportunity for us to share whatever we saved during all these years with a professional team. Our final target was to be influential for the audience; that audience who were young and issue of having job was of their main concerns in life. After negotiations with idea group of the team, it was supposed that institute to do research and designers to make films. Finally, with making some meetings and forming a strategy team which included members of institute and idea group, we chose subjects based on our priorities. Some points were important for us; firstly, subject must start their works without any governmental or big organization support. Creativity, gender, industry and region were some of our other characteristics caused to choose a subject. Our priorities were so important while they were supposed to be promoted as patterns in the society. We were familiar with people in as entrepreneur but choosing six ones among them for the first phase was so difficult. Research Team delivered subjects to filmmakers with study on quality and observation. Then after, we had some sessions with filmmakers for writing scripts. Making each documentary was step by step under supervision of production team. Finally, the result was so pleasant for all of us after all those attempts and difficulties because we acted so accurate during the project. I hope the projects be impressive for the audience and make hope in the society.

■ **Firouzeh Saber**

Researcher of Karestan Project

stories about the reverence of working



Mojtaba Mirtahmasb Talks about Three Years of Concerns and Thinking about Making Karestan Documentary Series Karestan Documentary Series was designed by Rakhshan Bani Etemad and Mojtaba Mirtahmasb. It was based on a concern for many years about entrepreneur persons who have different jobs but they didn't give up. Mirtahmasb said that next 20 parts of the series would be delivered to documentary-makers in near future.

Entrance to Women World



Mahnaz Afzali talks about entrepreneurship and believes that every documentarist can be tempted for making such documentaries. Mahnaz Afzali firstly was actress but she gave it up since 2005 and started making documentaries. Her works are woman-centered which is her personal concern. She has directed one part of Karestan Documentary Series named "Mother of Earth". "There were two subjects suggested to me and both of them were so interesting but while I always made films about women I preferred to make a documentary about "Hayedeh Shirazi".

Shared Concerns



Mohsen Abdolvahhab talks about There are many years that I work with Rakhshan Bani Etemad and I believe that the reason which keeps us to still working with each other was our shared and joint concerns and we both understand them well. In Karestan Documentary Series and making documentaries based entrepreneurship subject, there was that joint concern too. I was familiar with Mahak Charity and when my friends offered to make a documentary of "Saeedeh Ghods and Mahak" I accepted happily.